

Regional Convergence Between Iran and Eurasian Economic Union (EAEU)

Mirabdollah Hosseini*, Ph.D. in International Economics, Associate Professor, Department of Foreign Trade, Institute for Trade Studies & Research, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Abedin moghanaki, Ph.D. Student in Economics, Assistant Professor, Department of Foreign Trade, Institute for Trade Studies and Research, Tehran, Iran.

ali zahedtalaban, Ph.D. in Economics, Assistant Professor, Department of Foreign Trade, Institute for Trade Studies and Research, Tehran, Iran.

Received: 2023-1-18

Accepted: 2023-3-18

Regional Economic Integration / Economic Homogeneity / Trade Intensity / Trade Convergence / Eurasian Economic Union / Iran.

Regional economic-trade convergence, while seen as a move towards globalization, has significant benefits for member countries and regional arrangements. The main purpose of this paper is to evaluate the success of economic convergence and regional trade efficiency of Eurasian Economic Union (EAEU) member countries and Iran. For this purpose, the two main criteria of “homogeneity and degree of convergence of macroeconomic indicators” and “efficiency of intra-regional trade” for the Eurasian Economic Union member countries and Iran during the period 2000-2020 have been measured and evaluated. On the one hand, the results of the study of “homogeneity and degree of convergence of macroeconomic indicators” show that with economic convergence, the scope and gap of per capita income has decreased for some countries and increased for others. On the other hand, the results of the study on the “efficiency of intra-regional trade” show that during the period under review, the increase in the share of intra-regional trade between the EAEU and Iran has not been in line with trade development. In fact, the development and deepening of intra-regional trade has not only not led to the development of EAEU-Iran trade, but has also led to trade diversion. The analysis of strengths and opportunities, as well as weaknesses, threats and challenges, suggests that the lack of intra-regional trade development is due to the members’ export structure, and therefore, the possibility of intra-regional trade development and economic convergence in this union is weak. At the same time, it is hoped that by enhancing the economic structure of member countries and joint economic cooperation, it will be possible to reap the benefits of economic convergence.

* Corresponding Author: m.hosseini@itsr.ir

همگرایی اقتصادی-تجاری منطقه‌ای میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

میرعبداله حسینی (نویسنده مسئول)^۲
محمدرضا عابدین مقانکی^۳ / علی زاهدطلبان^۴

چکیده

سهم تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران همسو با توسعه تجارت ایران نبوده است. در واقع توسعه و تعمیق تجارت درون منطقه‌ای نه تنها به توسعه تجارت اتحادیه و ایران منجر نشده است، بلکه به انحراف تجارت ایران نیز انجامیده است. تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و چالش‌ها حاکی از این موضوع است که عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای بیشتر ناشی از ساختار صادراتی اعضا است و به همین دلیل، امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای و همگرایی اقتصادی در این اتحادیه ضعیف به نظر می‌رسد. در عین حال، پیش‌بینی می‌شود با ارتقای ساختار اقتصادی تجاری ایران، امکان بهره‌گیری بیشتر از منافع همگرایی اقتصادی با این اتحادیه فراهم شود.

همگرایی اقتصادی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی ضمن اینکه حرکت به سمت جهانی شدن تلقی می‌شود، منافع اقتصادی، رفاهی و تجاری قابل توجهی برای کشورهای عضو به همراه دارد. هدف اصلی مقاله حاضر، ارزیابی کارآمدی و موفقیت همگرایی اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. برای این منظور، دو معیار عمده «همگنی و نزدیکی شاخص‌ها» و «درجه همگرایی تجاری» برای کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۲۰ مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد با همگرایی اقتصادی، دامنه و شکاف درآمد سرانه برای برخی کشورها کاهش و برای برخی دیگر رو به افزایش بوده است. همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، طی دوره موردنظر، افزایش

طبقه‌بندی JEL: F13، F15، F53، F55

همگرایی اقتصادی منطقه‌ای / همگونی اقتصادی / شدت تجاری / اتحادیه اقتصادی اوراسیا / ایران

۱. مقاله حاضر برگرفته با اضافات از طرح پژوهشی است که در گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی پژوهشکده توسعه بازرگانی معاونت پژوهشی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در سال ۱۴۰۱ به انجام رسیده است.

۲. دکتری اقتصاد بین‌الملل، عضو هیات علمی (دانشیار) موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.

m.hosseini@itsr.ir & hosseini.mir2010@gmail.com ID <https://orcid.org/0099-0004-5521-9226>

m.abedin@itsr.ir

۳. عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.

alizabethalaban@gmail.com

۴. دکتری علوم اقتصادی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.

۱. مقدمه: طرح مسأله

امروزه ترتیبات منطقه‌ای ویژگی بارز روابط بین‌الملل است و تقریباً کشوری را نمی‌توان یافت که تاکنون به عضویت یک یا چند ترتیب منطقه‌ای در نیامده و یا در شرف الحاق به آن نباشد. به‌رغم شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت و عضویت غالب کشورهای جهان در آن، در کنار تعمیق و گسترش همکاری‌های تجاری چندجانبه در سال‌های اخیر، گرایش و رغبت کشورها به بلوک‌های منطقه‌ای بیش از گذشته افزایش یافته است. این موضوع بی‌تردید گواهی بر اهمیت روزافزون بلوک‌های منطقه‌ای در کنار همکاری‌های تجاری چندجانبه در استراتژی‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است. در عصر جهانی شدن، توسعه دیگر یک مقوله صرفاً ملی نیست و کشورها برای دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی، به‌ناچار زمینه‌های برخورداری از امکانات و منابع منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم نمایند. چگونگی تمهید این سازوکار جهت استفاده از منابع جهانی و منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که امروزه پیش‌روی تمامی کشورها به‌ویژه کشورهای واقع در گستره پیرامونی ایران؛ خاصه اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا قرار دارد. کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان است که پنج عضو اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع (هم‌سود) و چهار کشور روسیه، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان عضو اصلی و ایران عضو ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای هستند. اغلب کشورهای واقع در منطقه پیرامونی ایران از جمله کشورهای واقع در اتحادیه اقتصادی اوراسیا با در اختیار داشتن ظرفیت‌های بالقوه قابل توجه، مدت‌ها است که در مسیر ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای گام نهاده‌اند. وجود ترتیب اقتصادی منطقه‌ای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و سازمان همکاری اقتصادی اکو، گواهِ انگیزه‌ها و تمایلات موجود این کشورها در زمینه منطقه‌گرایی است. متأسفانه در مقایسه با کوشش‌های بسیاری که از سوی اغلب این

کشورها به عمل آمده، تاکنون پیشرفت متناسب و درخور توجهی در آن حاصل نشده است. به نظر می‌آید در شرایط فعلی حرکت مرحله به مرحله در راستای مراحل تکاملی هم‌پیوندی اقتصادی با اعضای کم (دو و سه‌جانبه) اما کارآمد، اقدام موفقیت‌آمیزی در بین این کشورها باشد. از این دیدگاه، کشورهایی که استعداد، انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری‌های اقتصادی - تجاری دارند و پیوستن دیگر کشورها در مراحل بعد به آن، عملی‌ترین راه برای تحقق هدف نهایی «توسعه پایدار منطقه‌ای» است (حسینی و بزرگی، ۱۳۸۱: ۴).

توسعه همکاری‌های اقتصادی میان کشورها، از علل تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای بوده و این موضوع در بیانیه‌ها و موافقتنامه‌های اتخاذ شده این اتحادیه‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، نشست‌های برگزار شده اخیر اکو نیز خواستار تجدید تلاش‌ها در جهت تقویت این همکاری‌ها و توسعه تجارت میان کشورهای عضو سازمان اکو از طریق موافقتنامه تجاری اکو شده است. این گونه موافقتنامه‌ها به شرط شمولیت جامع کالاهای مبادله‌ای و جدیت طرفین در اجرا (الزامات و ضمانت اجرایی)، می‌تواند موجب توسعه تجارت میان اعضا و موجب سرعت بخشیدن به روند ادغام کشورهای واقع در منطقه در نظام تجارت بین‌الملل گردد. این امر همچنین به تحقق خواست این کشورها مبنی بر داشتن سهمی متناسب در تجارت جهانی کمک می‌کند. البته در مراحل تکامل ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای، سطح توسعه سیاسی، اقتصادی و ... کشورها حایز اهمیت ویژه‌ای است. کشوری ممکن است از لحاظ موجودی منابع و عوامل تولید و توانمندی‌های اقتصادی، آمادگی این ادغام منطقه‌ای را داشته باشد، اما از نظر سیاسی این آمادگی هنوز فراهم نشده باشد و لذا در صورت حضور در ترتیبات منطقه‌ای، عدم توسعه سیاسی و یا عدم هماهنگی سیاسی با دیگر اعضای منطقه ممکن است مانع از کارکرد نیروهای مولد اقتصادی شود. به این دلیل است که این

فرایند، یک فرایند چندوجهی است و باید به طور متوازن در سطوح سیاسی، اقتصادی و... مورد توجه قرار گیرد و به ویژه، هنگامی که کشورها تلاش دارند رفتارهای خود را با الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ کنند، این توازن در رابطه با سطوح مختلف توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. از نظر سطح و عمق منطقه‌گرایی، کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا هنوز در گام‌های ابتدایی فرایند تکاملی منطقه‌گرایی قرار دارند و هنوز برای تمامی کشورهای این حوزه، مراحل نخستین منطقه‌گرایی - موافقتنامه تجارت آزاد (شکلی از ترجیحات تعرفه‌ای) - به طور کامل شکل نگرفته است. بر این اساس، هدف از مطالعه حاضر، پاسخ به این پرسش‌ها است که تجارت درون منطقه‌ای کشورهای واقع در اتحادیه اقتصادی اوراسیا چه وضعیتی دارد و طی یک دهه گذشته چه مسیری را طی نموده است؟ و از جنبه درجه همگرایی اقتصادی در مقایسه با دیگر ترتیبات منطقه‌ای (توسعه یافته و در حال توسعه) موفق ارزیابی می‌شود یا نه؟ و با گذشت بیش از سه دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی اوراسیا با محوریت فدراسیون روسیه، آیا تغییر و تحولات تجاری در این اتحادیه ناشی از اثر انحراف تجارت و ایجاد تجارت بوده است یا نه؟ در این خصوص دو معیار عمده «همگونی و نزدیکی شاخص‌ها» و «درجه همگرایی اقتصادی» برای کشورهای مورد مطالعه طی دوره ۲۰۱۹-۲۰۲۳ مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

مقاله حاضر در چارچوب بندهای پنج‌گانه طرح مسأله، پیشینه مطالعه و مبانی نظری پژوهش، روش پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها و خلاصه و پیشنهادها تنظیم و ارائه شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

عنصر کلیدی در تعریف مفهوم منطقه‌گرایی، مفهوم «منطقه» است. از منطقه به عنوان گروهی از کشورها که در

یک چارچوب حقوقی و به صورت نامحدود در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی با یکدیگر همکاری نموده و به تدریج همکاری‌های خود را توسعه و تکامل می‌دهند، یاد شده است (شیلا، ۲۰۰۰: ۵). بر اساس این تعریف، همکاری‌هایی که کشورها محدود و موقت با یکدیگر انجام می‌دهند، از دامنه شمول مفهوم منطقه‌گرایی خارج است. بر این اساس منطقه‌گرایی خصلت پایدار داشته و در آن، افق درازمدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می‌شود. منطقه‌گرایی همچنین غالباً جنبه تکاملی داشته و سطح و دامنه همکاری‌ها به تدریج گسترش و تعمیق پیدا می‌کنند. منطقه‌گرایی بسته به دامنه و عمق همکاری‌های کشورهای عضو در اشکال متفاوتی ظهور می‌یابد. از ابتدایی‌ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه‌ای «موافقتنامه‌های ترجیحی تجارت» است که شرکت‌کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تجاری؛ شامل تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، در ارتباط با بخشی از تجارت با یکدیگر اقدام می‌کنند. چنین ترتیباتی به دلیل مجاز نبودن کشورهای توسعه یافته به عضویت در آنها بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت اغلب در بین کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است که در این رابطه می‌توان به «نظام جهانی ترجیحات تجاری» میان تعدادی از کشورهای در حال توسعه اشاره کرد (امیراحمدیان، حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در یک سطح بالاتر از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، «منطقه تجارت آزاد» قرار دارد که متداول‌ترین شکل ترتیبات منطقه‌ای است. در این نوع از ترتیبات، اعضاء به جای کاهش موانع تجاری در ارتباط با تجارت تعداد محدودی از کالاها، به حذف موانع تجاری در ارتباط با تقریباً تمام و یا حجم عمده تجارت یکدیگر اقدام می‌نمایند. معمولاً کشورهایایی که موافقتنامه‌های تجارت آزاد منعقد می‌کنند، تعهدات آزادسازی را در یک دوره انتقالی به اجرا در می‌آورند و تحقق یک منطقه آزاد تجاری عملاً ممکن است بیش از ده سال به طول انجامد. امروزه بسیاری از موافقتنامه‌های

تجارت آزاد از آزادسازی تجارت کالا بین اعضا فراتر رفته و دامنه تعهدات را به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش داده‌اند. تعداد زیادی از موافقتنامه‌های تجارت آزاد در جهان ضوابط و موازینی را در زمینه حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری، سیاست رقابتی، خریدهای دولتی، حقوق کارگران و همکاری در دیگر زمینه‌های مرتبط با تجارت اعمال می‌نمایند. به طور تاریخی اروپا و حوزه مدیترانه بیشترین تعداد ترتیبات تجارت آزاد را در خود جای داده به‌گونه‌ای که سهم این منطقه از ترتیبات ۵۰٪ است (سازمان جهانی تجارت، ۲۰۰۰: ۳).

از آنجا که حجم آزادسازی تجاری و مبادله ترجیحات در چارچوب موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و تجارت آزاد فراتر از آزادسازی تجاری در قالب چندجانبه (سازمان جهانی تجارت) و مبتنی بر اصل دولت کامله الوداد است و به این دلیل که در این نوع ترتیبات و در این سطح از همکاری‌های تجاری، اعضا هنوز از سیاست تجارت مستقلی در قبال غیراعضا برخوردارند، ضرورت می‌یابد تا سازوکاری به‌منظور تضمین این که ترجیحات در عمل صرفاً به اعضا تعلق می‌یابند، تدوین شود. در این ارتباط، همه موافقتنامه‌ها دارای سازوکار قواعد مبدا هستند. بدین ترتیب، قواعد مبدأ از صدور مجدد کالاها توسط یکی از اعضای چنین ترتیباتی، که ممکن است تعرفه پایین‌تری در مقایسه با دیگر اعضا برای محصولات صادراتی غیر عضو اعمال کند، جلوگیری به عمل می‌آورد.

پس از منطقه تجارت آزاد، شکل پیشرفته‌تر همگرایی منطقه‌ای تاسیس «اتحادیه گمرکی» و «بازار مشترک» اشاره کرد. در بازار مشترک اعضا به آزادسازی جابه‌جایی عوامل تولید در بین یکدیگر اقدام می‌کنند، پس از بازار مشترک در عالی‌ترین سطوح ترتیبات می‌توان «اتحادیه اقتصادی» را نام برد. در اتحادیه‌های اقتصادی اعضا علاوه بر تامین بازار مشترک در بین خود به هماهنگی و یکسان‌سازی سیاست‌های پولی، مالی، صنعتی، حمل و نقل و دیگر سیاست‌ها اقدام می‌کنند.

این سطح از ترتیبات، علاوه بر آن که نیازمند سطح بالایی از اراده سیاسی برای نیل به یکپارچگی در بین اعضا است، درجه بالایی از تجانس اقتصادی و همگونی شاخص‌های اقتصادی اعضا را نیاز دارد.

نظریه‌ها و بحث‌های موافق و مخالف فراوانی در رابطه با نقش ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای ابراز شده است. اقتصاددانان کانادایی، جاکوب واینر، در مقاله با عنوان «موضوع اتحادیه گمرکی» نگرانی خود را در مورد این ترتیب تجاری بیان داشت. ایشان بیان می‌کند که وقتی دو کشور بر اساس توافق، تعرفه‌های خود را در مورد کالاهای یکدیگر حذف می‌کنند اما همین تعرفه‌ها را برای کالاهایی که از کشورهای ثالث وارد می‌شود حفظ می‌کنند، منجر به بهبود سوددهی مبادله برای تاجران دو کشور می‌شود؛ زیرا هر دو کشور محصولات همسایگان مورد توافق (عضو) را که قادر به تولید ارزان‌تر هستند، وارد می‌کنند. اما باید توجه داشت که در این حالت، تجارت منحرف می‌شود؛ زیرا اکنون دو کشور، کالاهایی از یکدیگر می‌خرند که سابق بر این، از سایر کشورهای دیگری که در تولید آنها کارا تر بودند، وارد می‌کردند. پیام صریح واینر این است که، ترتیب تجاری ترجیحی با تبعیض در آزادسازی تجاری به تجارت اعضای خود و رفاه جهانی آسیب وارد می‌کند. نظریه واینر توسط برخی از اقتصاددانان معاصر مورد انتقاد قرار گرفته است (جاکوب واینر، ۱۹۵۰). در مقابل این نظریه، نظریه «شرکای تجاری طبیعی» مطرح می‌شود. بر اساس کروگمن و لوتز (۱۹۹۱)، اگرچه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، ولی تحت تأثیر مسایلی از قبیل وضعیت جغرافیایی قرار دارد و حذف فاصله، هزینه‌های حمل و نقل را کاهش می‌دهد. همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر به داد و ستد می‌پردازند و در این شرایط، انحراف تجاری بسیار اندک خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۶؛ کروگمن و لوتز، ۱۹۹۱). این نظریه به‌طور تجربی در بسیاری از مناطق جغرافیایی جهان به‌ویژه در مناطق توسعه‌یافته نظیر اروپا و آمریکای شمالی

تایید شده است. نظریه‌های اخیر مورد بحث و تجزیه و تحلیل اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی از جمله جاگدیش باگواتی اقتصاددان هندی تبار آمریکایی قرار گرفته است. باگواتی یادآوری می‌نماید که اقتصاددانان پیش‌گفته، آثار ترتیبات تجاری منطقه‌ای را به صورت ایستا در نظر می‌گیرند و اثرات پویای این ترتیبات را که با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع و یا کاهش موانع تجاری در تجارت جهانی سنجیده می‌شود، لحاظ نمی‌کنند. باگواتی دو مفهوم بلوک‌های بازدارنده و بلوک‌های سازنده را مطرح می‌کند که به دو مفهوم انحراف تجارت و ایجاد تجارت که توسط واینر مطرح شده بود، نزدیک است (باگواتی، ۱۹۹۶).

مساله انحراف تجارت و یا بازدارنده بودن ترتیبات در رشد تجارت ملت‌ها، به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست و بدین لحاظ، به اهداف و اصول تشکیل بلوک‌ها باید توجه بیشتری معطوف شود. در متون تجارت، ترتیبات تجاری منطقه‌ای نوعی سیاست تجاری در راستای کاهش یا حذف موانع و محدودیت‌های تجاری میان اعضا قلمداد می‌شود. همان‌طور که گفته شد واژه انحراف تجارت و ایجاد تجارت به عنوان اثرات اقتصادی ترتیبات تجاری نخستین بار توسط جاکوب واینر، در سال ۱۹۵۰ مطرح شد که پس از آن توسط محققان و نویسندگان دیگر بیشتر گسترش یافت. انحراف تجارت که به عنوان یکی از آثار منفی ترتیبات

تجاری ترجیحی در سطح منطقه‌ای شناخته می‌شود، در حالتی رخ می‌دهد که تولیدات نامرغوب و پرهزینه کشورهای عضو در نتیجه برخورداری از ترجیحات تجاری جایگزین تولیدات مرغوب‌تر و کم هزینه‌تر غیرعضو شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۰:۴۰). حذف و یا کاهش عوارض وارداتی تولیدات منطقه‌ای که در رقابت مستقیم با تولیدات غیرمنطقه‌ای است، موجب کاهش قیمت تمام شده این نوع محصولات در بازار منطقه‌ای شده و زمینه جایگزینی واردات کم هزینه‌تر از غیر اعضا را فراهم می‌نماید. انحراف تجارت، هزینه‌ها و آثار سوء زیادی را از خود برجای می‌گذارد.

از مهم‌ترین اثرات منفی انحراف تجارت ایجاد اختلال در شرایط طبیعی رقابت، تقسیم منابع و بهره‌گیری از مزیت نسبی در سطح بین‌الملل است. تغییر الگوی مبتنی بر مزیت نسبی در تجارت ناشی از انحراف تجارت، در نهایت موجب کاهش رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود (همان ماخذ: ۴۲). مصرف‌کنندگان داخلی ناگزیر می‌شوند به دلیل وجود اثر انحراف تجارت، کالاهای نامرغوب‌تر تولیدکنندگان منطقه‌ای را با هزینه‌ی گزاف‌تر خریداری نمایند. از دیگر هزینه‌های عمده انحراف تجارت، می‌توان به از دست رفتن عواید و درآمد گمرکی دولت‌ها اشاره کرد. این مساله به طور خاص در ارتباط با کشورهای درحال توسعه که اتکاء بیشتری به درآمد گمرکی به عنوان یکی از منابع تامین بودجه دارند، موضوعیت بیشتری می‌یابد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه ترتیبات تجاری منطقه‌ای به انحراف تجارت منجر می‌گردند؟ در چه شرایطی یک ترتیب تجاری موجب اثر انحراف تجارت خواهد شد؟ و چگونه می‌توان از وقوع انحراف تجارت در یک ترتیب تجاری جلوگیری به عمل آورد؟ در این رابطه باید تصریح کرد که انحراف تجارت موقعی به وقوع می‌پیوندد که در عین حذف و یا کاهش موانع تجاری در قالب یک ترتیب منطقه‌ای، موانع تجاری برای غیراعضا حفظ شود. معمولاً هزینه انحراف تجارت معادل میزان عوارضی است که بر واردات کالاهای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای اعمال می‌شود. بر این اساس، کاهش موانع تجاری برای صادرکنندگان غیرعضو، هم‌زمان با مبادله ترجیحات تجاری بین اعضای ترتیب منطقه‌ای، هزینه انحراف تجارت را کاهش داده و یا از بین می‌برد.

از دیگر شرایط لازم برای وقوع انحراف تجارت، این مساله است که دیگر اعضای یک ترتیب تجاری نیز موانع تجاری مشابه‌ای را برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای اعمال کنند. این موضوع عمدتاً در مناطق آزاد تجاری که کشورهای عضو، برخلاف اتحادیه‌های گمرکی، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در رابطه با غیراعضا اقدام نمی‌کنند، مطرح

می‌گردد. بر این اساس، در صورتی که یکی از اعضای منطقه آزاد تجاری موانعی را بر سر صادرات کشورهای غیر عضو اعمال نکرده و یا تعرفه پایین وضع نماید، هزینه انحراف تجارت در چنین حالتی در منطقه کاهش و یا از بین می‌رود. البته در صورتی که اعضای یک منطقه آزاد تجاری شرایط و ضوابط سخت‌گیرانه‌ای را در رابطه با تعیین مبدا کالاها اعمال نمایند، صادرات مجدد کالاهای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای با دشواری‌هایی مواجه می‌شود که این مساله مانع جلوگیری از انحراف تجارت می‌شود (هوگمن و شیف: ۲۰۰۲: ۵۵۳).

اگرچه انحراف تجارت از اثرات منفی ترتیبات تجاری منطقه‌ای است، ولی ایجاد تجارت از منافع و مهم‌ترین اثرات مثبت آن است. این اثر که موجب افزایش حجم تجارت میان اعضای ترتیبات تجاری می‌شود، زمانی به وقوع می‌پیوندد که تولیدات کارآمدتر و کم هزینه‌تر دیگر اعضای یک ترتیب تجاری منطقه‌ای در نتیجه آزادسازی تجاری جایگزین تولیدات غیرکارآمد و هزینه‌بر داخلی شود. از آن جا که اثر ایجاد تجارت در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان منطقه‌ای در ارتباط با بخش‌ها و محصولاتی که قبلاً مورد حمایت قرار گرفته و تجارتی با دنیای خارج در آنها وجود نداشته است، شکل می‌گیرد، فاقد هرگونه اثر سوء برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای است. ایجاد تجارت موجب افزایش بهره‌وری و تخصصی شدن تولیدات منطقه‌ای بر پایه مزیت نسبی و نیز بهبود رفاه عمومی اعضای یک ترتیب تجاری منطقه‌ای می‌گردد. معمولاً آن دسته از ترتیبات تجاری که عمدتاً به ایجاد تجارت منجر می‌گردند، با مخالفت گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی روبرو می‌شوند. اثر ایجاد تجارت، از آنجا که در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان منطقه‌ای شکل می‌گیرد، تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی را با بحران مواجه ساخته و آنها را ناگزیر به افزایش بهره‌وری و یا خروج از گردونه رقابت می‌کند. تعطیلی تولیدات ناکارآمد، کاهش تولیدات داخلی و از دست رفتن فرصت‌های شغلی

در نتیجه سیل واردات از تولیدکنندگان کارآمدتر منطقه‌ای از پیامدهای منفی ایجاد تجارت برای اقتصاد اعضا است. این مساله باعث افزایش فشارهای سیاسی در مخالفت با این‌گونه ترتیبات تجاری شده و مقاومت‌هایی را بر علیه آزادسازی تجاری منطقه‌ای ایجاد می‌کند. بر این اساس، اعضا غالباً برای جلوگیری از اثر ایجاد تجارت و خسارت به تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی در جریان آزادسازی، تجارت بخش‌ها و یا محصولات خاصی را از شمول تعهدات آزادسازی مستثنی ساخته و یا ابزارها و سازوکارهایی حفاظتی آسان‌تری را برای آنها فراهم می‌آورند (همان، ۵۵۴). در ادامه پاره‌ای شواهد تجربی و پیشینه پژوهش مرتبط با منطقه‌گرایی و آورده شده است:

از میان ترتیبات منطقه‌ای موجود در جهان، اتحادیه اروپا به‌عنوان تکامل‌یافته‌ترین تجربه ترتیبات منطقه‌ای مطرح است. بیشترین سهم تجارت درون منطقه‌ای در دنیا را می‌توان در اتحادیه اروپا مشاهده کرد. سهم تجارت درون منطقه‌ای در این اتحادیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ در بالاترین سطح خود قرار داشته و در حدود دو سوم از مجموع تجارت کشورهای عضو این منطقه را تشکیل داده است (شیلا، ۲۰۰۰: ۱۱۲). از میان ترتیبات تجاری کشورهای در حال توسعه، کشورهای عضو مرکوسور پس از تاسیس این ترتیب منطقه‌ای، شاهد بیشترین رشد تجارت درون منطقه‌ای بوده‌اند (همان: ۱۲۳). از دیگر ترتیبات بین کشورهای در حال توسعه می‌توان به اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی، اشاره کرد. هر چند حجم تجارت درون منطقه‌ای این کشورها از زمان تاسیس این اتحادیه افزایش یافته، ولی این افزایش با رشد سهم تجارت فرامنطقه‌ای این کشورها هماهنگ نبوده است. افزایش سهم تجارت فرامنطقه‌ای کشورهای عضو آسه‌آن باعث شده است که شدت تجارت در این منطقه کاهش یابد (همان: ۱۳۷). سهم تجارت درون منطقه‌ای در دیگر ترتیبات منطقه‌ای نازل است چون غالب تجارت اعضای این ترتیبات با شرکای فرامنطقه‌ای آنها است.

در اغلب موارد با تاسیس ترتیبات منطقه‌ای بین کشورهای درحال توسعه، اختلاف درآمد سرانه و سطح توسعه اقتصادی این کشورها تشدید شده است. این مساله، به دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت در ترتیبات منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه با درجه توسعه‌ای نامتوازن است. از آنجا که انحراف تجارت عمدتاً بر تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای هزینه‌هایی را تحمیل کرده و تولیدکنندگان داخلی کشورهای عضو ترتیبات تجاری منطقه‌ای از منافع آن برخوردار می‌گردند، آن دسته از ترتیبات تجاری منطقه‌ای که دارای اثر انحراف تجارت می‌باشند، از حمایت داخلی بیشتری برخوردار بوده و با ثبات‌تر هستند (هوگمن و شیف، ۲۰۰۲: ۵۵۳). از نمونه‌های مشهور انحراف تجارت در ترتیبات موجود در دنیا می‌توان به سیاست مشترک کشاورزی اتحادیه اروپا اشاره کرد. حمایت اتحادیه اروپا از کشاورزان خود در قالب‌های مختلف از جمله اعطای یارانه، اعمال تعرفه‌ها و سهمیه‌های وارداتی برای محصولات کشاورزی تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای به یکی از نمونه‌های پرهزینه انحراف تجارت در دنیا تبدیل شد. این سیاست منجر به کاهش رفاه عمومی در اروپا و دیگر نقاط جهان در نتیجه حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی آن منطقه به‌ویژه کشاورزان فرانسوی شد. از دیگر نمونه‌های عملی انحراف تجارت می‌توان به نفتا اشاره کرد. اقدام مکزیکی در افزایش تعرفه‌های وارداتی پوشاک از کشورهای غیرعضو نفتا از ۲۰ درصد به ۳۵ درصد در کنار کاهش تعرفه‌های واردات این محصولات برای تولیدکنندگان منطقه‌ای، موجب شد تا واردات این کشور از غیر عضو نفتا در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶، ۶۶ درصد کاهش یافته و واردات آن از آمریکا ۴۷ درصد افزایش یابد. آزادسازی تجاری در چارچوب نفتا باعث شد تا واردات پوشاک از کشورهای آسیایی در بازار آمریکا کاهش یافته و واردات محصولات از مکزیکی و کانادا ۹۰ درصد افزایش یابد (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۴۲).

در مناطق همجوار ایران ترتیب منطقه‌ای وجود ندارد که ترتیب منطقه‌ای در آن به سطح بالای توسعه رسیده و موجب همگونی شاخص‌های اقتصادی در میان اعضای آن شده باشد. بررسی تجارت درون منطقه‌ای بلوک‌های منطقه‌ای پراکنده در چهار قاره و از میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه طی چهار دهه اخیر -۱۹۸۰-۲۰۲۰ نشان می‌دهد که تجارت درون منطقه‌ای در بین ترتیبات منطقه‌ای موجود در دنیا با یکدیگر اختلاف عمده‌ای داشته و نسبت تجارت درون منطقه‌ای به ترتیب از ترتیبات تجاری با درآمد بالا به ترتیبات با درآمد پایین سیر نزولی را طی می‌کند. برای نمونه سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه اروپا، ۶۲٫۶ درصد بوده است. این نسبت برای نفتا ۵۰٫۲ درصد، جامعه ملل جنوب شرق آسیا ۲۵٫۳ درصد، مرکوسور ۱۳٫۰ درصد، اتحادیه پولی و اقتصادی غرب آفریقا ۱۵٫۳ درصد و جامعه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا ۶٫۸ درصد بوده است. طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ بیشترین شاخص عملکرد در توسعه تجارت درون منطقه‌ای در میان کشورهای توسعه‌یافته از آن نفتا بوده است. حال آن‌که طی این دوره، بیشترین شاخص عملکرد در توسعه تجارت درون منطقه‌ای در میان کشورهای درحال توسعه واقع در آفریقا از جمله بلوک‌های تجاری جامعه توسعه آفریقای جنوبی و اتحادیه مغرب عربی بوده است.

بلوک‌های تجاری واقع در قاره آسیا کمابیش با شاخص عملکرد مناسبی در توسعه تجارت درون منطقه‌ای مواجه هستند اما در بین این بلوک‌ها بیشترین شاخص عملکرد در توسعه تجارت درون منطقه‌ای به جامعه ملل جنوب شرق آسیا اختصاص دارد. تجارت درون منطقه‌ای در این جامعه از ۱۷/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲۴/۹ درصد در سال ۲۰۰۶ و ۲۵/۳ در سال ۲۰۱۴ با شاخص عملکرد ۱۴۳/۱۰ و ۱۴۵/۳ رو به فزونی گذاشته است. در میان بلوک‌های تجاری در مجاورت ایران، چهار بلوک تجاری اکو، شورای همکاری خلیج فارس و جامعه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا و

اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود دارد که در واقع گویای آن است که هرچند درصد تجارت درون منطقه‌ای در هر چهار بلوک تجاری در سطح پایین است، ولی شاخص عملکرد سازمان همکاری اقتصادی اکو به مراتب پایین‌تر است.

با توجه به پیشینه پژوهشی، اثر پژوهشی فعلی که به کارآمدی اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ایجاد همگرایی اقتصادی نزدیک شده است، در وهله اول نوع بررسی این موضوع را با شیوه‌ای متفاوت پیگیری کرده است و در مرحله بعد نیز نتیجه متفاوتی از ارزیابی فرضیه مورد نظر ارائه کرده که همین مسأله را می‌توان مهم‌ترین نوآوری مطالعه حاضر دانست.

۳. روش پژوهش

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام بین گروهی از کشورها استفاده کرد، تولید ناخالص داخلی (اندازه اقتصاد) کشورها است. وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصاد و درآمد سرانه به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد (هلیمن، ۱۹۸۷: ۸۱۲). در واقع کشورها از نظر اندازه اقتصاد به هم نزدیک هستند و تولیدات متنوع‌تری را وارد می‌کنند. نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تایید است. برای ارزیابی یک ترتیب تجاری منطقه‌ای و مقایسه آن با دیگر ترتیبات مشابه موفق و کارآمد، دو شاخص عمده که با معیارهای ایجاد و انحراف تجارت ارتباط نزدیکی دارند، استفاده می‌شود: الف) تجانس یا همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی؛ شاخص همگرایی اقتصادی و ب) درجه همگرایی تجاری؛ شاخص شدت تجارت

الف- تجانس و همگونی شاخص‌های اقتصادی: از معیارهای موفقیت یک ترتیب تجاری منطقه‌ای، همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی- تجاری به‌ویژه تجانس و همگونی درآمد سرانه اعضا است. همگونی یا تجانس شاخص‌ها به این معنا است که همه اعضا به تناسب از

منافع ترتیب منطقه‌ای برخوردار شده و منافع و عواید ناشی از آزادسازی اقتصادی در سطح منطقه‌ای به صورت عادلانه بین اعضا توزیع می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۵۱). از نمونه ترتیبات منطقه‌ای موفق در دنیا، اتحادیه اروپا است که می‌توان فرایند همگونی و همسان شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضای آن مشاهده کرد. برای نمونه، عضویت در اتحادیه اروپا برای ایرلند، پرتغال و اسپانیا باعث شد تا درآمد سرانه آنها به ترتیب از ۶۱، ۴۹ و ۲۷ درصد درآمد سرانه کشورهای بزرگ این اتحادیه در اواسط دهه ۱۹۸۰ به ۹۱، ۶۷ و ۳۸ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یابد (همان: ۵۲). این مسأله به خوبی روند همسان شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضای این اتحادیه نشان می‌دهد. تجربه دیگر کشورها به طور خاص کشورهای در حال توسعه، در اغلب موارد خلاف موضوع فوق را ثابت کرده و نشان می‌دهد که این ترتیبات در بین این گروه از کشورها چندان با موفقیت همراه نبوده است. در واقع در اغلب موارد با ترتیبات منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه اختلاف درآمد سرانه و سطح توسعه این کشورها بیش از پیش، تشدید شده است. نتایج یافته‌ها حاکی است ترتیبات منطقه‌ای بین دو کشور توسعه‌یافته موجب همگونی درآمد سرانه آنها شده و این فرایند در بین دو کشور فقیر با اختلاف سطح توسعه موجب ناهمگونی موجود بین شاخص‌های مختلف اقتصادی آنها می‌شود. به نظر می‌رسد این مسأله به دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت در این ترتیبات بین کشورهای در حال توسعه با درجه توسعه‌ای نامتوازن است.

ب- همگرایی تجاری: از معیارهای موفقیت و کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای، درجه ترتیب اقتصادی بین اعضای آن منطقه است. این موضوع از طریق نسبت تجارت درون منطقه‌ای اعضا و دیگر مبادلات اقتصادی درون منطقه‌ای نظیر جریان سرمایه‌گذاری خارجی آنها قابل ارزیابی است. نسبت تجارت درون منطقه‌ای در بین ترتیبات منطقه‌ای موجود در دنیا با یکدیگر اختلاف عمده‌ای دارند. مطالعات

نشان می‌دهد که نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین اعضای ترتیب منطقه‌ای با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه بین کشورهای با درآمد پایین است. شدت تجارت به‌عنوان شاخص همگرایی تجاری، از طریق اندازه‌گیری نسبت تجارت درون منطقه‌ای یک کشور به تجارت فرامنطقه‌ای آن و یا سهم آن در تجارت غیرمنطقه‌ای تعیین می‌شود. این نسبت در ارتباط با کلیه اعضای یک ترتیب منطقه‌ای به صورت دسته جمعی نیز قابل اندازه‌گیری است. شاخص شدت تجارت را علاوه بر آن که می‌توان در ارتباط با کل تجارت یک منطقه به صورت عام به کار گرفت، برای شناخت دقیق‌تر آثار منطقه‌گرایی، می‌توان آن را در سطح جزیی‌تر و در ارتباط با بخش‌ها و یا کالاهای خاص محاسبه کرد (شیلا، ۲۰۰۰، ۱۱۳-۱۱۵).

اندازه‌گیری شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به بهای کاهش تجارت یک منطقه با دنیا شده و یا آن‌که افزایش تجارت به صورت هماهنگ و متوازن اتفاق افتاده است. اندازه‌گیری شدت تجارت، آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را نیز به صورت پویا نشان داده و مشخص می‌کند که آیا در صورت کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به وقوع پیوسته است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت خواهد بود. در مقابل، در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب منطقه‌ای وجود خواهد داشت (همان، ۱۱۶).

شاخص شدت تجارت (صادرات) نسبت سهم شریک تجاری به کل تجارت (صادرات) منطقه / کشور و سهم کل تجارت (صادرات) جهانی همان شریک تجاری محاسبه

می‌شود. در ادامه نحوه محاسبه شاخص شدت تجارت (صادرات) به شرح روابط زیر ارایه شده است (بانک توسعه آسیایی، ۲۰۲۲):

$$TII_{ij} = \frac{t_{ij}/T_{iw}}{t_{wj}/T_{ww}} \quad XII_{ij} = \frac{x_{ij}/X_{iw}}{x_{wj}/X_{ww}}$$

TII_{ij} یا XII_{ij} = شاخص شدت تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ؛ x_{ij} یا t_{ij} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ؛ T_{iw} یا X_{iw} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کل جهان؛ t_{wi} یا x_{wi} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی کشور / منطقه z و T_{ww} یا X_{ww} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی. روند بلندمدت شاخص شدت تجارت برای کشور / منطقه اگر روبه بهبود گذارد، به معنای اهمیت روبه افزایش تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (ایجاد تجارت) است و بالعکس اگر روند بلندمدت این شاخص روبه افول / تنزل یابد، گویای کاهش اهمیت تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (انحراف تجارت) است. این شاخص برای جریان دوجانبه و منطقه‌ای تجارت به‌ویژه برای صادرات کالا کاربرد دارد.

داده‌های آمارهای بین‌المللی مطالعه از نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و ارزیابی شده است؛ منتهی اطلاعات آماری به روز ایران در چند سال اخیر به ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین برای تحلیل‌های مقاطع سالانه به سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹ بسنده شده است که البته برای هدف‌های این نوشتار کافی به نظر می‌رسد. با این حال، داده‌های آماری اتحادیه اقتصادی اوراسیا تا حد امکان و تا سال ۲۰۱۹ به‌روز شده است. با توجه به نتایج پژوهش، داده‌های خام آمارهای بین‌المللی به شرح زیر گردآوری، تنظیم و دسته‌بندی شده است:

نخست ۱۴۰۰ تداوم یابد. بنابراین مقاله بر همگونی اقتصادی و همگرایی تجاری تمرکز دارد.

۱-۴. تجانس و همگونی درآمد سرانه کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا

تولید ناخالص داخلی سرانه و تجانس و همگونی آن برای کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ در جدول (۱) ارایه شده است. مطابق اطلاعات آماری این جدول، در دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ بیشترین و کمترین تولید سرانه به ترتیب مربوط به روسیه و قرقیزستان است، با نسبت ۶٫۴ و ۱۱٫۱ به یک، فاصله و شکاف چشمگیری را شاهد بوده‌اند، این شکاف و فاصله تا انتهای دوره همچنان تداوم داشته است و در این بین، قزاقستان، ایران و بلاروس در مراتب دوم تا چهارم قرار دارند. البته طی دو دهه اخیر یکایک کشورها توانسته‌اند تولید سرانه را به طور چشمگیری افزایش دهند، لیکن طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، آهنگ رشد تولید سرانه در ایران پایین‌تر از یکایک کشورهای مورد مطالعه بوده است.

طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، افزایش معناداری در همگونی و تجانس تولید سرانه کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا مشاهده نمی‌شود، چراکه همگونی و همسان شدن درآمد سرانه با محوریت متوسط سرانه تولید جهانی، روسیه و قزاقستان به طور چشمگیری بهترین عملکرد را شاهد بوده است و لیکن تولید سرانه دو کشور قرقیزستان و ارمنستان، افزایش چندانی به دست نیاورده است. در این بین، تولید سرانه ایران و بلاروس، علی‌رغم رشد نسبی متوسط، فاصله و شکاف نسبتاً بالایی با متوسط تولید سرانه جهانی شاهد بوده است. بنابراین امکان تایید همگونی و تجانس درآمد سرانه در بین اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا وجود ندارد. البته خاطر نشان می‌شود نسبت تولید سرانه یکایک این کشورها به تولید سرانه جهانی طی دوره افزایش یافته است، منتهی شکاف و فاصله تولید سرانه ابتدا و انتهای دوره همچنان

(۱) داده‌های آماری اقتصاد کلان بین‌الملل و همچنین شاخص‌های همگونی درآمد سرانه اعضای اتحادیه از گزارش‌های سالانه تجارت و سرمایه‌گذاری کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) گردآوری و اخذ شده است.

(۲) داده‌های آماری سیر تحولات سیاست تجاری با تکیه بر تعرفه‌های گمرکی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از گزارش سالانه آمارهای بین‌المللی کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری شده است.

(۳) داده‌های آماری شرکای تجاری منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و همچنین همگرایی تجاری کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از گزارش سالانه آمارهای بین‌المللی تجارت صندوق بین‌المللی پول جمع‌آوری و اخذ شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

از شش سرفصل نتایج پژوهش، سرفصل‌های همگونی و تجانس اقتصادی اعضا، همگرایی تجاری اعضا، شرکای تجاری طبیعی اعضا و سیاست تجاری کشورهای عضو روی متغیرهایی تمرکز دارد که بیشترین تاثیرپذیری را از عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارند. مجموعه متغیرهای اقتصادکلان از جمله تورم و رشد اقتصادی یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی به طور غیرمستقیم و در شرایط اتحادیه کامل اقتصادی (که با تحرک عوامل و سیاست‌های اقتصادی واحد) متاثر می‌شوند. در واقع متغیرهای اقتصادکلان در هر کشور متاثر از سیاست‌های پولی و مالی (داخلی) و سیاست تجاری آن کشور است. همچنین، عوامل متعدد ساختاری در کشورها مانند نهادها، شرایط سیاسی، ثبات محیط اقتصاد کلان، فضای کسب و کار و شوک‌ها و تکانه‌های غیر اقتصادی از جمله تحریم‌ها و نظایر آنها به شدت تاثیرگذار هستند که نمونه بارز آن برای اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ رخ داده و بیم آن می‌رود در دهه

پابرجا است. همگونی و تجانس تولید سرانه کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مقیاس منطقه‌ای طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ به طور معناداری قابل مشاهده نیست، چراکه همگونی و همسان شدن درآمد سرانه با محوریت روسیه (عدد ۱۰۰)، در ابتدا (سال ۲۰۰۰) و انتهای دوره (۲۰۱۹) برای قزاقستان از ۶۸٫۹٪ به ۸۲٫۱٪، ارمنستان از ۳۵٫۰٪ به ۳۹٫۶٪، به نفع درآمد سرانه این دو کشور بهبود یافته است که همگونی و تجانس درآمد سرانه در بین این سه کشور را تایید می‌کند. اما در مقابل، فرایند همگونی و همسان شدن تولید سرانه با محوریت روسیه، برای ایران از ۹۳٫۸٪ به ۶۱٫۳٪ و قرقیزستان از ۱۵٫۶٪ به ۱۱٫۳٪، به مراتب

ناهمگون و نامتجانس‌تر است. همگونی و تجانس تولید سرانه در بین این سه کشور تایید نمی‌شود. برای نمونه دامنه درآمد سرانه بین روسیه و ایران در سال ۲۰۰۰ حداکثر ۱۷۷۴ (روسیه) و حداقل ۱۶۶۴ (ایران) به نسبت ۱۰۰ به ۹۴ بود که در سال ۲۰۱۹ فاصله این دامنه و شکاف نسبت عمیق‌تر شده است که نه تنها شکاف در تولید سرانه بین ایران و روسیه کم نشده، بلکه شکاف عمیق‌تر نیز شده است. چون تولید سرانه روسیه طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ با ۶٫۶٪ برابر رو به فزونی گذاشته است و حال آن‌که تولید سرانه ایران طی دوره بلندمدت ۴٫۳ درصد رشد داشته است.

جدول ۱- تجانس و همگونی در درآمد سرانه کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران، دوره بلندمدت ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹

شرح	تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)					تجانس درآمد سرانه کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا						
	۲۰۱۹	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	شاخص عملکرد و رشد	۲۰۱۹	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	شاخص عملکرد و رشد
(۱) ارمنستان	۴۶۱۳	۳۳۵۵	۳۱۲۵	۱۶۲۵	۶۲۱	(۱۰٫۵) ۷۴۲٫۸	۴۰٫۶	۳۳٫۰	۳۳٫۰	۲۲٫۴	۱۱٫۴	(۶٫۶) ۳۵۶٫۱
(۲) بلاروس	۶۵۷۰	۵۶۲۳	۵۸۱۸	۳۱۳۴	۱۰۴۷	(۹٫۶) ۶۲۷٫۵	۵۷٫۸	۵۵٫۳	۶۱٫۴	۴۳٫۲	۱۹٫۳	(۵٫۶) ۲۹۹٫۵
(۳) روسیه	۱۱۶۶۲	۹۰۳۶	۱۰۶۵۲	۵۳۲۰	۱۷۷۴	(۹٫۹) ۶۵۷٫۴	۱۰۲٫۶	۸۸٫۸	۱۱۲٫۴	۷۳٫۴	۳۲٫۶	(۵٫۹) ۳۱۴٫۷
(۴) قرقیزستان	۱۳۱۵	۱۱۴۴	۸۷۷	۴۸۱	۲۷۷	(۸٫۱) ۴۷۴٫۷	۱۱٫۶	۱۱٫۲	۹٫۳	۶٫۶	۵٫۱	(۲٫۹) ۱۷۵٫۸
(۵) قزاقستان	۹۵۷۵	۱۰۴۳۶	۹۰۷۷	۳۶۹۷	۱۲۲۳	(۱۰٫۸) ۷۸۲٫۹	۸۴٫۲	۱۰۲٫۶	۹۵٫۸	۵۱٫۰	۲۲٫۵	(۶٫۸) ۳۷۴٫۲
(۶) ایران	۷۱۴۶	۵۵۱۶	۶۳۰۰	۳۱۳۵	۱۶۶۴	(۷٫۶) ۴۲۹٫۴	۶۲٫۸	۵۴٫۲	۶۶٫۵	۷۳٫۲	۳۰٫۶	(۳٫۷) ۲۰۵٫۲
جهان	۱۱۳۷۱	۱۰۱۷۳	۹۴۷۵	۷۲۵۱	۵۴۳۶	(۳٫۸) ۲۰۹٫۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: نتایج یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های خام آماری UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, ۲۰۲۰, ۴۱۲-۴۲۰

۲-۴. ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

اندازه اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۲۴۹۲٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ بود. روسیه با اندازه اقتصاد ۱۷۰۱٫۱ میلیارد دلار، ۶۸٫۳ درصد از اندازه اقتصاد این اتحادیه سهم دارد. اندازه اقتصاد ایران، قزاقستان، بلاروس به ترتیب با ۲۱٫۲، ۷٫۱ و ۲٫۵ درصد از اندازه اقتصاد این اتحادیه در مراتب ۲ تا ۴ قرار دارند. این چهار کشور جمعاً ۹۹٫۱ درصد از

اندازه اقتصاد این اتحادیه را از آن خود دارند. در سال ۲۰۱۹، بالاترین و پایین‌ترین درآمد سرانه با ۱۱۶۶۲ دلار از آن روسیه و ۱۳۱۵ دلار از آن قرقیزستان است. از لحاظ درآمد سرانه قزاقستان، ایران و بلاروس در مراتب ۲ تا ۴ قرار دارند. در این سال، بالاترین رشد اقتصادی با ۷٫۶+ درصد از آن ارمنستان بود، حال آن‌که رشد اقتصادی ایران ۸٫۰- درصد، به شدت روبه کاهش گذاشت.

دارد. رابطه مبادله (به سال پایه ۲۰۱۵ = ۱۰۰) تجارت کالایی اعضای این اتحادیه در سال ۲۰۱۹ بالاتر از ۱۰۰ بوده و در این بین بالاترین رابطه مبادله ۱۱۵ از آن ایران و پایین‌ترین ۱۰۱ از آن بلاروس بوده است. رابطه مبادله تجارت چهار کشور قزاقستان، ارمنستان، قرقیزستان و روسیه با بیش از ۱۱۰، در مراتب بعدی هستند.

در سال ۲۰۱۹، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این اتحادیه ۳۸٫۱ میلیارد دلار بوده که ۲٫۵ درصد از جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان سهم داشته است. روسیه با ۳۱٫۷ میلیارد دلار جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی، ۸۳٫۴ درصد جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی این اتحادیه، رتبه نخست را دارد. سه کشور قزاقستان، ایران و بلاروس به ترتیب با ۸٫۱، ۴٫۰ و ۳٫۴ درصد در مراتب ۲ تا ۴ جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی این اتحادیه سهم دارند. در شرایطی که پنج عضو این اتحادیه تورم کمتر از ۵ درصد را تجربه می‌کنند، ایران با تورم ۳۹٫۹ درصد جزء بالاترین نرخ تورم نه تنها در منطقه، بلکه حتی در جهان بوده است.

صادرات و واردات کالایی اعضای اتحادیه در سال ۲۰۱۹ به ترتیب ۵۸۰٫۵ و ۳۸۳٫۹ میلیارد دلار بوده، که ۳٫۰۸ و ۲٫۰ درصد از صادرات و واردات کالایی جهان سهم داشته است. تراز تجارت کالایی اتحادیه به رقم چشمگیر ۱۹۶٫۶+ میلیارد دلار مثبت بوده که از تراز تجاری مثبت ۱۶۵٫۳+ میلیارد دلار روسیه نتیجه می‌شود. بین اعضای اتحادیه، روسیه با ۴۱۹٫۹ و ۲۵۴٫۶ میلیارد دلار صادرات و واردات، ۷۲٫۳ و ۶۶٫۳ درصد از صادرات و واردات این اتحادیه سهم داشته است. کشورهای ایران، قزاقستان، بلاروس به ترتیب با ۱۱٫۳، ۱۰٫۱ و ۵٫۷ درصد صادرات و ۹٫۸، ۱۰٫۹ و ۱۰٫۳ درصد واردات کالایی در مراتب دوم تا چهارم حضور دارند. تراز تجارت کالایی سه کشور روسیه، ایران و قزاقستان با ارقام قابل ملاحظه مثبت (مازاد تراز تجارت کالایی)، در مقابل تراز تجارت کالایی سه کشور بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان منفی (کسری تراز تجارت کالایی) بوده است. کمابیش این تحلیل برای تجارت (صادرات و واردات) خدمات و تراز حساب جاری کشورهای عضو این اتحادیه موضوعیت

جدول ۲- شاخص‌های کلیدی اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران، ۲۰۱۹

شرح	تجارت کالایی		تجارت خدمات		تراز حساب جاری	اندازه اقتصاد			جریان FDI		تورم	جمعیت	
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات		واردات	GDP	GDP سرانه	رشد	خروجی			ورودی
	\$B	\$B	۱۰۰=۲۰۱۵	\$B	\$B	\$M	\$B	درصد	\$M	\$M	درصد	میلیون نفر	
(۱) ارمنستان	۲٫۶	۵٫۵	۱۱۲	۲٫۴	۲٫۳	-۹۸۸	۱۳٫۶۵	۴۶۱۳	+۷٫۶	-۱۴۳	۲۵۴	۲٫۹۶	۱٫۴
(۲) بلاروس	۳۳٫۰	۳۹٫۵	۱۰۱	۹٫۶	۵٫۸	+۱۱۶۶	۶۲٫۰۹	۶۵۷۰	+۱٫۲	-۷	۱۲۹۰	۹٫۴۵	۵٫۶
(۳) روسیه	۴۱۹٫۹	۲۵۴٫۶	۱۰۹	۶۲٫۷	۹۸٫۸	+۶۵۳۳۷	۱۷۰۱٫۱۴	۱۱۶۶۲	+۱٫۳	+۲۲۵۳۰	۳۱۷۳۵	۱۴۵٫۸۷	۴٫۵
(۴) قرقیزستان	۲٫۰	۴٫۹	۱۱۱	۱٫۲	۱٫۰	-۹۴۷	۸٫۴۴	۱۳۱۵	+۴٫۵	+۳	۲۰۹	۶٫۴۲	۱٫۱
(۵) قزاقستان	۵۷٫۳	۳۷٫۶	۱۱۵	۷٫۸	۱۱٫۴	-۶۴۹۸	۱۷۷٫۶۲	۹۵۷۵	+۴٫۵	-۲۵۹۲	۳۱۱۸	۱۸٫۵۵	۵٫۲
(۶) ایران	۶۵٫۷	۴۱٫۸	۱۱۵	-	-	...	۵۲۹٫۴۰	۷۱۴۶	-۸٫۰	+۸۵	۱۵۰۸	۸۲٫۹	۳۹٫۹
کل کشورها	۵۸۰٫۵	۳۸۳٫۹	...	۸۳٫۷	۱۱۹٫۳	+۵۸۰۷۰	۲۴۹۲٫۳	۱۹۸۷۶	۳۸۱۱۴	۲۶۶٫۱۵	...
جهان	۱۸۸۳۳٫۰	۱۹۲۶۳٫۲	۱۰۱	۶۱۴۴٫۰	۵۸۲۶٫۳	+۴۴۲٫۸	۸۷۷۱۰٫۲۱	۱۱۳۷۱	+۲٫۶	۱۳۱۳٫۷	۱۵۳۹٫۹	۷۷۱۳٫۵	۳٫۱

منبع: نتایج یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های خام آماری UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, ۲۰۲۱, ۸۶-۹۷.

از ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی اتحادیه نتیجه می‌شود بازیگر نخست، روسیه است. از جنبه اندازه اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری ایران، قزاقستان و بلاروس در مراتب ۲ تا ۴ قرار دارند و قزاقستان و ارمنستان در مراتب آخر قرار دارند. در این بین، اوضاع و احوال رشد اقتصادی و نرخ تورم ایران بسیار نامساعد است.

۳-۴. شرکای تجاری طبیعی درون منطقه‌ای کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا

جدول (۳)، چهار شریک اول تجاری (صادراتی) درون منطقه‌ای کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، نتایج زیر حاصل می‌شود:

از بین پنج عضو اتحادیه، کشورهای با اندازه اقتصاد و تجارت کوچک‌تر، بیشترین محصولات را به این اتحادیه صادر می‌کنند. به طوری که در سال ۲۰۱۹، ارمنستان با صادرات ۲٫۶ میلیارد دلار، ۴۲٫۱ درصد از محصولات را به این اتحادیه صادر می‌کند و یا قزاقستان با صادرات ۲٫۰ میلیارد دلار، ۳۲٫۴ درصد را به این اتحادیه صادر می‌کند. اما هرچه اندازه اقتصاد و تجارت کشوری بزرگ‌تر می‌شود، محصولات کمتری را به این اتحادیه صادر می‌کنند. روسیه با صادرات ۴۲۲٫۸ میلیارد دلار، تنها ۹٫۲ درصد از محصولات را به این اتحادیه صادر می‌کند و یا ایران با صادرات ۳۰٫۷ میلیارد دلار، تنها ۲٫۷ درصد را به این اتحادیه صادر می‌کند. در این بین، قزاقستان و بلاروس، با اندازه اقتصاد و تجارت متوسط، دو رفتار متمایز دارند. چراکه از صادرات ۳۳٫۷ میلیارد دلاری بلاروس، ۴۱٫۱ درصد به بازار این اتحادیه روانه می‌شود و حال آن‌که از صادرات ۵۷٫۷ میلیارد دلاری قزاقستان، تنها ۱۱٫۵ درصد به این بازار صادر می‌شود.

در بین اعضای اتحادیه، روسیه بازار نخست صادراتی این کشورها است. به طوری که در سال ۲۰۱۹، ۱۲٫۹، ۵٫۶، ۰٫۷ و ۰٫۴ میلیارد دلار صادرات بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و

ایران به بازار روسیه روانه شده است. از این جنبه، قزاقستان، بلاروس، قزاقستان و ایران در مراتب ۲ تا ۵ قرار دارند. در این بین سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس از توسعه تجارت دوجانبه متوازی برخوردار بوده و شریک تجاری طبیعی متقابل یکدیگر محسوب می‌شوند.

همچنین برخی از کشورها قسمت قابل ملاحظه واردات را از کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تامین کرده و قسمت زیادی از صادراتشان را به این کشورها روانه می‌کنند. بلاروس، قزاقستان، قزاقستان و ارمنستان بخش مهمی از صادرات خود را به بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا روانه می‌کنند و در مقابل، ایران و روسیه کم‌ترین ارزش صادرات خود را به کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا عرضه کرده‌اند. بلاروس، قزاقستان، قزاقستان و ارمنستان بخش مهمی از واردات خود را از بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا تامین می‌کنند و در مقابل ایران و روسیه، کمترین واردات نسبی را از این کشورها دارند. در واقع اقتصادهای کوچک و متوسط این اتحادیه شامل بلاروس، قزاقستان، قزاقستان و ارمنستان، قسمت مهمی از تجارت را با این اتحادیه انجام می‌دهند. البته تجارت درون منطقه‌ای دوجانبه اتحادیه با کمتر از ۱۰ درصد، پایین ارزیابی می‌شود. در بین این کشورها، برخی کشورها شرکای تجاری طبیعی یکدیگر متقابل هستند. روسیه، قزاقستان و بلاروس شرکای تجاری صادراتی نخست این کشورها هستند. یکایک اعضای این اتحادیه یکی از چهار شریک نخست صادراتی است. طی دوره روسیه، قزاقستان و بلاروس به طور متقابل بخش مهمی از صادرات و واردات را با این کشورها مبادله کرده‌اند. در این بین، ایران پایین‌ترین جایگاه در بین شرکای تجاری صادراتی و وارداتی با این کشورها دارد.

نظر به ناهمگونی و عدم تجانس و ناهمسانی نسبی اندازه صادرات و واردات کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای بالا و هم‌پای اقتصادهای بزرگ با درآمد سرانه بالا میسر نیست مگر آن‌که

و درآمد سرانه آنها تا چند برابر اندازه فعلی افزایش یابد و متعاقباً تجارت خارجی گسترش یافته و متنوع‌تر گردد.

در بلندمدت کشورهای با درآمد پایین نظیر قرقیزستان و ارمنستان در مسیر رشد بالا قرار گرفته و اندازه اقتصاد

جدول ۳- شرکای تجاری (صادراتی) درون منطقه‌ای EAEU و ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ (واحد به میلیون دلار و %)

شرح	سال	ارزش صادرات		شریک نخست		شریک دوم		شریک سوم		شریک چهارم		شریک پنجم		صادرات به EAEU		صادرات به جهان	
		کشور	ارزش	کشور	ارزش	کشور	ارزش	کشور	ارزش	کشور	ارزش	کشور	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش
ایران	۲۰۱۰	روسیه	۲۴۷,۰	ارمنستان	۱۸۲,۰	قزاقستان	۲۴,۰	بلاروس	۷,۰	قرقیزستان	۸,۰	۴۶۸,۰	۰,۴۶	۱۰۱۳۱۶,۰	۰,۶۷		
	۲۰۱۵	روسیه	۲۳۷,۰	ارمنستان	۱۸۰,۰	قزاقستان	۹۴,۰	بلاروس	۱۱,۰	قرقیزستان	۱۲,۰	۵۳۴,۰	۰,۸۵	۶۳۰۰۰,۰	۰,۳۹		
	۲۰۱۹	روسیه	۳۹۱,۵	ارمنستان	۳۲۴,۷	قزاقستان	۸۰,۷	قرقیزستان	۱۷,۲	بلاروس	۱۲,۵	۸۲۶,۶	۲,۶۹	۳۰۷۴۵,۹	۰,۱۷		
روسیه	۲۰۱۰	قزاقستان	۵۰۷۵,۰	بلاروس	۱۱۳۳۷,۰	ایران	۳۳۵۹,۰	ارمنستان	۳۹۶,۰	قرقیزستان	۹۷۵,۰	۲۱۱۴۲,۰	۵,۳۸	۳۹۲۶۷۴,۰	۲,۶۰		
	۲۰۱۵	قزاقستان	۱۰۶۸۶,۰	بلاروس	۱۵۲۰۶,۰	ایران	۱۰۱۹,۰	ارمنستان	۱۰۴۸,۰	قرقیزستان	۱۲۹۹,۰	۲۹۲۵۸,۰	۸,۵۷	۳۴۱۴۶۵,۰	۲,۱۰		
	۲۰۱۹	قزاقستان	۱۴۰۵,۸	بلاروس	۲۰۵۴۵,۰	ارمنستان	۱۶۸۰,۰	قرقیزستان	۱۵۵,۱	ایران	۱۱۹۷,۵	۳۹۰۲۳,۴	۹,۲۳	۴۲۲۷۷۷,۲۴	۲,۲۷		
قزاقستان	۲۰۱۰	روسیه	۲۷۰۳	قرقیزستان	۴۲۳,۰	ایران	۱۰۹۲	بلاروس	۳۵,۰	ارمنستان	۸,۰	۴۲۶۱,۰	۷,۴۴	۵۷۲۴۴,۰	۰,۳۸		
	۲۰۱۵	روسیه	۴۳۳۴	قرقیزستان	۷۵۴,۰	ایران	۹۶۴	بلاروس	۴۵,۰	ارمنستان	۰۰۰	۶۰۹۸,۰	۱۳,۳۴	۴۵۷۲۲,۰	۰,۲۸		
	۲۰۱۹	روسیه	۵۶۰۲,۵	قرقیزستان	۶۰۴,۰	ایران	۲۹۹,۵	بلاروس	۱۰۱,۵	ارمنستان	۹,۱	۶۶۱۶,۶	۱۱,۴۶	۵۷۷۲۲,۹	۰,۳۱		
قرقیزستان	۲۰۱۰	روسیه	۳۵۱,۸	قزاقستان	۱۵۰,۹	بلاروس	۷,۵	ایران	۱۱,۳	ارمنستان	۰,۴	۵۲۱,۵	۲۹,۳۲	۱۷۷۸,۸	۰,۱۲		
	۲۰۱۵	روسیه	۶۴,۷	قزاقستان	۳۲۰,۳	بلاروس	۳,۷	ایران	۱۵,۴	ارمنستان	۰,۰۸	۴۰۴,۲	۲۸,۰۴	۱۴۴۱,۴	۰,۰۰۹		
	۲۰۱۹	قزاقستان	۳۳۷,۵	روسیه	۲۷۰,۸	ایران	۱۵,۴	بلاروس	۱۲,۷	ارمنستان	۰,۰۹	۶۳۶,۵	۳۲,۳۸	۱۹۶۵,۵	۰,۰۱۱		
ارمنستان	۲۰۱۰	روسیه	۱۶۰,۵	ایران	۸۴,۸	بلاروس	۴,۶	قزاقستان	۳,۱	قرقیزستان	۰,۳	۲۵۳,۳	۲۵,۰۴	۱۰۱۱,۴	۰,۰۰۷		
	۲۰۱۵	روسیه	۲۲۵,۹	ایران	۷۸,۰	بلاروس	۵,۵	قزاقستان	۴,۹	قرقیزستان	۰,۴	۳۱۴,۷	۲۱,۱۲	۱۴۸۵,۳	۰,۰۰۹		
	۲۰۱۹	روسیه	۷۱۹,۷	ایران	۸۳,۸	بلاروس	۱۷,۸	قزاقستان	۵,۴	قرقیزستان	۳,۲	۸۱۹,۹	۳۱,۶۷	۲۶۲,۱	۰,۰۱۴		
بلاروس	۲۰۱۰	روسیه	۹۹۵۳,۷	قزاقستان	۴۶۴,۸	ایران	۹۷,۲	ارمنستان	۴۲,۱	قرقیزستان	۸۵,۵	۱۰۶۴۳,۳	۴۲,۱۰	۲۵۲۸۳,۵	۰,۱۷		
	۲۰۱۵	روسیه	۱۰۳۹۸,۴	قزاقستان	۵۲۵,۱	ایران	۵۸,۶	ارمنستان	۲۷,۸	قرقیزستان	۵۵,۴	۱۱۰۶۵,۳	۴۱,۵۱	۲۶۶۶۰,۴	۰,۱۶		
	۲۰۱۹	روسیه	۱۲۸۷۹,۲	قزاقستان	۷۸۲,۳	قرقیزستان	۱۲,۳	ارمنستان	۳۷,۴	ایران	۳۲,۰	۱۳۸۵۱,۲	۴۱,۰۷	۳۳۷۲۶,۱	۰,۱۸		

منبع: نتایج یافته‌های تحقیق بر مبنای داده‌های خام آماری ۲۰۲۰- IMF, Direction of Trade Statistics, ۲۰۱۰

کامل‌ترین اطلاعات تعرفه گمرکی برای تمامی کشورهای عضو این اتحادیه در فدراسیون روسیه درج شده است. در این بین اطلاعات آمار تعرفه گمرکی ایران ناقص، نامعتبر و دور افتاده (پرت) و به‌روز نیست. میانگین ساده تعرفه‌های گمرکی نشانگر میانگین نرخ تعرفه گمرکی مصوب در جداول مقررات گمرکی کشورها

۴-۴. سیاست تجاری با محوریت تعرفه‌های وارداتی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا میانگین ساده/ وزنی نرخ تعرفه MFN کاربردی واردات کشورهای عضو اتحادیه طی سه مقطع: ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ به درصد در جدول (۴) ارایه شده است. مطابق اطلاعات مندرج در آن جدول، نتایج زیر خاطرنشان می‌شود:

است (نرخ تعرفه گمرکی که در کتاب مقررات گمرکی کشورها مشاهده می‌شود)، اما میانگین وزنی تعرفه گمرکی گویای آن است که با نرخ تعرفه گمرکی وضع شده، چه میزان واردات در عمل انجام شده است (نرخ تعرفه موثر). بالاترین شکاف برای ارقام میانگین ساده و وزنی تعرفه‌ها از آن ایران، و در مقابل پایین‌ترین شکاف برای ارقام میانگین ساده و وزنی از آن روسیه بوده است. از دلایل شکاف و فاصله بین میانگین ساده و موزون ریشه در مداخلات پر دامنه و وسیع دولت در تجارت از جمله حمایت‌ها، انحراف‌ها، قیمت‌گذاری و شکاف نرخ ارز است.

در بین اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران، به جز ایران، برای بقیه اعضا همگونی و تجانس در میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی برای انواع محصولات و تولیدات صنعتی مشاهده می‌شود. در طی دوره به جز ایران، برای کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا، روند میانگین ساده به‌ویژه وزنی تعرفه گمرکی برای تمامی محصولات و تولیدات صنعتی با آهنگ و شیبی ملایم روبه کاهش بوده است.

دامنه میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی برای انواع محصولات و تولیدات صنعتی این کشورها به جز ایران هماهنگ و همگن بوده است. در واقع دامنه تعرفه برای انواع محصولات با پراکنش بالایی مواجه نبوده است. این درحالی است دامنه تعرفه‌های گمرکی برای انواع محصولات صنعتی در ایران ناهمگون و نامتجانس است.

این کشورها، پیش از آنکه به عضویت این اتحادیه درآمد باشند، در چارچوب جماهیر مستقل مشترک‌المنافع (همسود)، از سیاست تجاری هماهنگ و مشترک برخوردار بوده‌اند. به طوری که، برای میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی آن کشورها در انتهای دوره می‌توان یک سیاست تجاری واحد و مشترک را مشاهده کرد.

سیاست تجاری ایران صرفاً به تعرفه‌های گمرکی محدود نمی‌شود. در شرایط خاص بین‌المللی اقتصاد ایران با محوریت تحریم‌ها، انواع مداخلات، کنترل‌ها در قالب ممنوعیت‌ها، مجوزها و محدودیت‌ها در سیاست تجاری ایران سلطه داشته و بنابراین سیاست تجاری ایران با شفافیت، پیش‌آگاهی و پیش‌بینی‌پذیری فاصله دارد.

جدول ۴- میانگین ساده / وزنی نرخ تعرفه MFN کاربردی واردات ایران و کشورهای عضو EAEU طی سه مقطع: ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ (واحد %)

میانگین وزنی - نرخ MFN			میانگین ساده - نرخ MFN									شرح	
شامل			شامل										
تولیدات صنعتی			کل	تولیدات صنعتی			معادن و فلزات	تولیدات صنعتی	معادن و فلزات	کل			
سایر	ماشین‌آلات	شیمیایی		سایر	ماشین‌آلات	شیمیایی							
۲۸٫۹	۳۴٫۸	۱۲٫۷	۲۸٫۶	۱۳٫۳	۲۸٫۱	۶٫۱	۴۲٫۰	۱۷٫۰	۴۳٫۱	۱۶٫۸	۴۱٫۸	۲۰۰۰	(۱) ایران
۱۷٫۲	۲۰٫۹	۱۴٫۰	۱۸٫۵	۸٫۵	۱۸٫۳	۳۵٫۱	۱۶٫۷	۱۱٫۲	۲۴٫۷	۹٫۰	۲۴٫۰	۲۰۰۷	
۲۷٫۲	۲۳٫۷	۱۲٫۹	۲۳٫۴	۸٫۲	۲۳٫۰	۳۹٫۹	۱۷٫۱	۱۱٫۱	۲۸٫۲	۸٫۰	۲۷٫۲	۲۰۱۱	
۱۱٫۷	۱۰٫۰	۹٫۰	۱۰٫۳	۵٫۶	۱۰٫۱	۱۳٫۱	۸٫۷	۶٫۹	۱۰٫۷	۸٫۵	۱۰٫۶	۲۰۰۵	(۲) روسیه
۱۰٫۵	۳٫۹	۸٫۶	۶٫۷	۴٫۷	۶٫۶	۱۱٫۰	۵٫۲	۶٫۵	۸٫۶	۷٫۳	۸٫۶	۲۰۱۰	
۷٫۸	۲٫۸	۵٫۷	۴٫۶	۳٫۲	۴٫۶	۹٫۰	۴٫۳	۵٫۲	۶٫۹	۶٫۵	۶٫۹	۲۰۱۵	

میانگین وزنی - نرخ MFN						میانگین ساده - نرخ MFN						شرح	
شامل			کل	شامل			کل						
تولیدات صنعتی				تولیدات صنعتی									
سایر	ماشین آلات	شیمیایی		تولیدات صنعتی	فلزات و معادن	سایر		ماشین آلات	شیمیایی	تولیدات صنعتی	فلزات و معادن		
۷,۹	۰,۷	۳,۸	۴,۰	۴,۸	۴,۰	۶,۷	۰,۸	۴,۶	۴,۶	۴,۲	۴,۶	۲۰۰۸	(۳) قزاقستان
۱۱,۱	۴,۷	۴,۷	۶,۹	۳,۷	۶,۸	۱۰,۸	۴,۷	۵,۷	۸,۲	۶,۵	۸,۱	۲۰۱۰	
۷,۹	۳,۲	۵,۸	۵,۰	۴,۱	۵,۰	۹,۰	۴,۳	۵,۲	۶,۹	۶,۵	۶,۹	۲۰۱۵	
۴,۰	۳,۴	۰,۰	۲,۹	۱,۷	۲,۹	۶,۳	۵,۱	۰,۱	۴,۷	۳,۸	۴,۶	۲۰۰۰	(۴) قرقیزستان
۵,۳	۴,۲	۰,۴	۴,۰	۲,۷	۳,۹	۵,۲	۲,۹	۲,۶	۴,۱	۳,۶	۴,۰	۲۰۱۰	
۴,۴	۴,۹	۰,۴	۳,۹	۲,۴	۳,۹	۵,۲	۲,۹	۲,۶	۴,۱	۳,۶	۴,۰	۲۰۱۴	
۳,۷	۲,۷	۰,۰	۲,۶	۰,۱	۲,۵	۳,۴	۱,۹	۰,۰	۲,۳	۰,۵	۲,۲	۲۰۰۵	(۵) ارمنستان
۳,۹	۲,۳	۰,۲	۲,۶	۰,۰	۲,۴	۳,۳	۲,۰	۰,۱	۲,۳	۰,۴	۲,۲	۲۰۱۰	
۷,۶	۳,۴	۲,۴	۴,۸	۱,۶	۴,۶	۸,۳	۴,۰	۱,۱	۶,۲	۵,۹	۶,۲	۲۰۱۵	
۱۰,۲	۸,۹	۸,۲	۹,۳	۷,۶	۹,۲	۱۱,۹	۱۰,۲	۶,۶	۱۰,۲	۸,۲	۱۰,۰	۲۰۰۰	(۶) بلاروس
۹,۸	۴,۵	۸,۱	۷,۳	۴,۱	۷,۰	۱۱,۰	۵,۲	۶,۵	۸,۶	۷,۳	۸,۶	۲۰۱۰	
۷,۶	۳,۰	۵,۸	۵,۳	۴,۱	۵,۲	۹,۰	۴,۳	۵,۲	۶,۹	۶,۵	۶,۹	۲۰۱۵	

منبع: نتایج یافته‌های نگارنده بر مبنای داده‌های خام آماری آنکتاد، ۲۰۲۰ UNCTAD Trains/ WITS

۴-۵. شاخص کارآمدی منطقه‌گرایی در بین کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا

شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به قیمت کاهش تجارت یک منطقه با دنیا بوده و یا آن‌که افزایش تجارت درون منطقه‌ای به صورت هماهنگ و متوازن با توسعه تجارت با جهان رخ داده است. شاخص شدت تجارت آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را نیز به صورت پویا نشان داده و مشخص می‌کند که آیا با وجود کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به وقوع پیوسته است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و یکسان بودن دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه

وقوع انحراف تجارت است. در مقابل، در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب منطقه‌ای رخ می‌دهد. در جدول (۵)، نتایج محاسبات شاخص شدت صادرات از طریق اندازه‌گیری نسبت صادرات درون منطقه‌ای هر کشور به صادرات فرامنطقه‌ای آن و یا سهم آن در صادرات غیرمنطقه‌ای ارایه شده است. بر اساس اطلاعات جدول مذکور، نتایج زیر را می‌توان خاطر نشان کرد:

- شدت روابط تجاری در اتحادیه اقتصادی اوراسیا صادرات کالایی این اتحادیه به جهان از ۵۷۹,۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۵۴۹,۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ روبه کاهش گذارده است. طی این دو مقطع، رشد صادرات

اتحادیه (۰٫۵- درصد) در مقایسه با رشد صادرات جهانی (۲٫۲ درصد)، سبب شده سهم صادرات اتحادیه از صادرات جهانی از ۲٫۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۲٫۲۷ درصد در سال ۲۰۱۹ روبه کاهش گذارد. به علاوه، سهم اتحادیه از صادرات جهانی در سال ۲۰۲۰ با شیوع کووید ۱۹، روبه وخامت گذاشته است. صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه از ۳۷٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۶۱٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ روبه افزایش گذاشته است. سهم صادرات درون منطقه‌ای از صادرات کالایی اتحادیه از ۶۴۳۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۱٫۲۴ درصد در سال ۲۰۱۹، با حدود ۱٫۷۵ برابر شدن طی دوره، روبه افزایش گذاشته است.

در مقابل، صادرات فرامنطقه‌ای اتحادیه از ۵۴۲٫۰۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۴۸۷٫۷۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹، با حدود ۵۴٫۲۵- میلیارد دلار کاهش روبه‌رو شده است که سهم صادرات فرامنطقه‌ای اتحادیه از کل صادرات کالایی از ۹۳٫۵۶۳ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۸۸٫۷۶ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است.

شاخص شدت صادرات در این اتحادیه از ۶٫۸۸ واحد در سال ۲۰۱۰ به ۱۲٫۶۶ واحد در سال ۲۰۱۹ روبه افزایش گذاشته است. کاهش سهم صادرات فرامنطقه‌ای از صادرات توام با کاهش چشمگیر صادرات کالایی جهانی این اتحادیه باعث شده تا به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه، شاخص شدت تجاری روبه فزونی گذارد. طی دوره افزایش شاخص شدت صادرات با رشد سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه هماهنگ بوده است. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه باعث شده تا شاخص شدت صادرات در این منطقه افزایش یابد. هرچند سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه نازل است و به جز تعدادی از کشورهای با اندازه تجارت پایین از جمله قرقیزستان و ارمنستان، غالب صادرات اعضا با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد ولیکن روند آن بعد از شکل‌گیری اتحادیه رو به فزونی گذارده است. بدین ترتیب

کاهش سهم اتحادیه در صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای آن اتحادیه گویای آن است که حداقل طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ بهبود در شدت روابط تجاری اتحادیه منجر به توسعه صادرات جهانی آن نشده است (انحراف تجارت). با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی یا برابر بودن نوسان‌های آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت روابط تجاری در اثر افزایش صادرات درون منطقه‌ای و کاهش سهم اتحادیه در تجارت جهانی، نشانه وقوع انحراف تجارت است.

• شدت روابط تجاری ایران با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا صادرات کالایی ایران به جهان از ۱۰۱٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۳۰٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹، با شاخص عملکرد ۳۰٫۳ و با نرخ رشد سالانه منفی ۱۱٫۲۵- درصد، به شدت سقوط کرده است و با شیوع ویروس کرونا (کووید ۱۹) در سال ۲۰۲۰ ضربه سنگین دیگری بر آن وارد شده است. بنابراین سهم ایران از صادرات کالایی جهان از ۰٫۶۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۰٫۱۶۵ درصد در سال ۲۰۱۹، نزدیک یک چهارم سال ۲۰۱۰، روبه کاهش گذاشته است.

صادرات درون منطقه‌ای ایران به اتحادیه از ۴۶۸٫۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به ۸۲۶٫۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۹ با شاخص عملکرد ۱۷۶٫۶ و نرخ رشد سالانه ۵٫۸۵ درصد روبه افزایش گذاشته است. سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با اتحادیه، از ۰٫۴۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۲٫۶۹ درصد در سال ۲۰۱۹، ۵٫۸ برابر افزایش و با نرخ رشد سالانه ۱۹٫۳ درصد مواجه بوده است. طی این دوره، رشد صادرات درون منطقه‌ای ایران (۱۵٫۳۸٪) در مقایسه با رشد صادرات جهانی (۲٫۲)، هفت برابر شده است. بنابراین صادرات درون منطقه‌ای ایران با اتحادیه به شدت گسترش یافته است. در سال ۲۰۲۰، با شیوع کرونا صادرات کالایی ایران به جهان شدیداً کاهش و صادرات درون منطقه‌ای به شدت افزایش یافته است.

در مقابل، صادرات فرامنطقه‌ای ایران، از ۱۰۰،۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۲۹،۹۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ با شاخص عملکرد ۲۹،۶۷ و نرخ رشد سالانه ۱۱،۴۴-٪ مواجه بوده که سهم صادرات فرامنطقه‌ای از کل صادرات ایران از ۹۹،۵۴٪ در سال ۲۰۱۰ به ۹۷،۳۱٪ در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است. البته در سال ۲۰۲۰، با شیوع ویروس کرونا (کووید ۱۹)، صادرات درون منطقه‌ای ایران با اتحادیه، طی یکسال از ۲،۷ درصد به ۱۰،۶ درصد، به شدت گسترش یافته است. در واقع، با تشدید تحریم‌ها توأم با شیوع کووید ۱۹، صادرات کالایی ایران به جهان به شدت کاهش، و صادرات درون منطقه‌ای ایران با اتحادیه، به شدت افزایش یافته است.

شاخص شدت صادرات منطقه‌ای ایران از ۰،۴۶۴ واحد در سال ۲۰۱۰ به ۲،۷۶۴ واحد در سال ۲۰۱۹، تا شش برابر افزایش یافته است، منتهی سهم ایران از صادرات جهانی از ۰،۶۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۰،۱۶۵ درصد در سال ۲۰۱۹، تا یک‌چهارم روبه کاهش گذارده است. طی دوره، افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با اتحادیه توأم با کاهش به شدت بالای رشد صادرات ایران سبب شده است که با وجود بهبود شاخص شدت صادرات ایران، توسعه صادرات

جهانی ایران هماهنگ و هم‌سو با آن رخ ندهد (انحراف تجارت).

هر چند در ابتدای دوره عمده صادرات ایران با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گرفت و سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با این اتحادیه در سطح پایینی قرار داشته، منتهی طی دوره تا ۲۰ برابر افزایش، به شدت روبه فزونی گذاشته است. بدین ترتیب، کاهش چشمگیر سهم ایران از صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای با اتحادیه گویای آن است که حداقل طی دوره مذکور، افزایش شاخص شدت صادرات ایران با این اتحادیه نه تنها به افزایش در صادرات جهانی ایران منجر نشده است، بلکه سهم ایران از صادرات کالایی جهان به شدت روبه افول گذاشته است (انحراف تجارت). اصولاً توسعه صادرات درون منطقه‌ای برای هر کشور موقعی مطلوب است که به توسعه صادرات کلی آن کشور به جهان نیز منجر شده باشد (ایجاد تجارت)، حال آنکه خلاف آن رخ داده است. گفتنی است آمارهای تجارت خارجی ایران برای سال ۲۰۲۰ در شرایط خاص تحریم‌ها و شیوع فراگیر کووید ۱۹، از دقت و اعتبار کافی برخوردار نبوده است و بنابراین تحلیل‌ها برای ایران تا سال ۲۰۱۹ متمرکز بوده است.

جدول ۵- جایگاه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در تجارت جهانی و روند تجارت آنها به تفکیک صادرات و واردات

شرح	روسیه	ایران	قزاقستان	قرقیزستان	ارمنستان	بلاروس	صادرات ... به کشورها		صادرات ... به جهان	
							میلیون دلار	%	میلیون دلار	میلیون دلار
(۱) روسیه	۲۰۱۰	-	۵۰۷۵،۰	۹۷۵،۰	۳۹۶،۰	۱۱۳۳۷،۰	۲۱۱۴۲،۰	۵،۳۸	۳۹۲۶۷۴،۰	۲،۵۹۶
	۲۰۱۵	-	۱۰۶۸۶،۰	۱۲۹۹،۰	۱۰۴۸،۰	۱۵۲۰۶،۰	۲۹۲۵۸،۰	۸،۵۷	۳۴۱۴۶۵،۰	۲،۱۰۰
	۲۰۱۹	-	۱۴۰۵۰،۸	۱۵۵۰،۱	۱۶۸۰،۰	۲۰۵۴۵،۰	۳۹۰۲۳،۴	۹،۲۳	۴۲۲۷۷۷،۲	۲،۲۷۴
	۲۰۲۰	-	۱۴۰۵۱،۵	۱۴۵۶،۹	۱۶۶۰،۵	۱۵۹۸۰،۰	۳۴۵۷۲،۴	۱۰،۲۶	۳۳۷۱۰۵،۴	۱،۹۶۷
(۲) ایران	۲۰۱۰	۲۴۷،۰	-	۲۴،۰	۸،۰	۱۸۲،۰	۴۶۸،۰	۰،۴۶۲	۱۰۱۳۱۶،۰	۰،۶۷۰
	۲۰۱۵	۲۳۷،۰	-	۹۴،۰	۱۲،۰	۱۸۰،۰	۵۳۴،۰	۰،۸۴۸	۶۳۰۰۰،۰	۰،۳۸۸
	۲۰۱۹	۳۹۱،۵	-	۸۰،۷	۱۷،۲	۳۲۴،۷	۸۲۶،۶	۲،۶۸۸	۳۰۷۴۵،۹	۰،۱۶۵
	۲۰۲۰	۷۹۶،۸	-	۱۰۷،۹	۱۷،۹	۳۱۴،۹	۱۲۴۶،۷	۱۰،۵۸۷	۱۱۷۷۶،۲	۰،۰۶۹

شرح	روسیه	ایران	قزاقستان	قرقیزستان	ارمنستان	بلاروس	صادرات ... به کشورها		صادرات ... به جهان	
							میلیون دلار	%	میلیون دلار	سهم از جهان
(۳) قزاقستان	۲۰۱۰	۲۷۰۳,۰	۱۰۹۲,۰	-	۴۲۳,۰	۸,۰	۴۲۶۱,۰	۷,۴۴۴	۵۷۲۴۴,۰	۰,۳۷۸
	۲۰۱۵	۴۳۳۴,۰	۹۶۴,۰	-	۷۵۴,۰	۱,۰	۴۵,۰	۱۳,۳۳۷	۴۵۷۲۲,۰	۰,۲۸۱
	۲۰۱۹	۵۶۰۲,۵	۲۹۹,۵	-	۶۰۴,۰	۹,۱	۱۰۱,۵	۱۱,۴۶۳	۵۷۷۲۲,۹	۰,۳۱۰
	۲۰۲۰	۴۸۹۹,۵	۱۲۹,۰	-	۵۶۲,۶	۷,۳	۶۹,۶	۱۲,۰۷۲	۴۶۹۴۹,۷	۰,۲۷۴
(۴) قرقیزستان	۲۰۱۰	۳۵۱,۸	۱۱,۳	۱۵۰,۹	-	۰,۴	۷,۵	۲۹,۳۲۰	۱۷۷۸,۸	۰,۰۱۲
	۲۰۱۵	۶۴,۷	۱۵,۴	۳۲۰,۳	-	۰,۰۸	۳,۷	۲۸,۰۴۱	۱۴۴۱,۴	۰,۰۰۹
	۲۰۱۹	۲۷۰,۸	۱۵,۴	۳۳۷,۵	-	۰,۰۹	۱۲,۷	۳۲,۳۸۳	۱۹۶۵,۵	۰,۰۱۱
	۲۰۲۰	۲۴۱,۶	۱,۶	۲۹۳,۹	-	۰,۲۳	۱۰,۷	۲۷,۸۹۷	۱۹۶۴,۵	۰,۰۱۱
(۵) ارمنستان	۲۰۱۰	۱۶۰,۵	۸۴,۸	۳,۱	۰,۳	-	۴,۶	۲۵,۰۴۴	۱۰۱۱,۴	۰,۰۰۷
	۲۰۱۵	۲۲۵,۹	۷۸,۰	۴,۹	۰,۴	-	۵,۵	۲۱,۱۸۸	۱۴۸۵,۳	۰,۰۰۹
	۲۰۱۹	۷۱۹,۷	۸۳,۸	۵,۴	۳,۲	-	۱۷,۸	۳۱,۶۷۴	۲۶۲۰,۱	۰,۰۱۴
	۲۰۲۰	۶۵۴,۸	۸۴,۷	۶,۴	۱,۶	-	۲۱,۲	۳۰,۵۰۴	۲۵۲۰,۰	۰,۰۱۵
(۶) بلاروس	۲۰۱۰	۹۹۵۳,۷	۹۷,۲	۴۶۴,۸	۸۵,۵	۴۲,۱	-	۴۲,۰۹۶	۲۵۲۸۳,۵	۰,۱۶۷
	۲۰۱۵	۱۰۳۹۸,۴	۵۸,۶	۵۲۵,۱	۵۵,۴	۲۷,۸	-	۴۱,۵۰۵	۲۶۶۶۰,۴	۰,۱۶۴
	۲۰۱۹	۱۲۸۷۹,۲	۳۲,۰	۷۸۲,۳	۱۲۰,۳	۳۷,۴	-	۴۱,۰۷۰	۳۳۷۲۶,۱	۰,۱۸۱
	۲۰۲۰	۱۳۹۲۴,۱	۱۷,۷	۷۳۶,۸	۶۰,۷	۵۲,۶	-	۴۴,۸۸۵	۳۲۹۵۵,۱	۰,۱۹۲
واردات ... از کشورهای	۲۰۱۰	۱۳۴۱۶,۰	۴۶۴۴,۳	۵۷۱۷,۸	۱۴۹۱,۸	۶۲۸,۱	۱۱۳۹۱,۱	۶,۴۳۷	۵۷۹۳۰۷,۷	۳,۸۷۲
	۲۰۱۵	۱۵۲۶,۰	۲۱۳۵,۰	۱۱۶۳,۴	۲۱۲,۸	۱۸۸۵,۰	۱۵۲۷۱,۲	۹,۹۳۷	۴۷۹۷۷۴,۱	۲,۹۴۹
	۲۰۱۹	۱۹۸۶۳,۷	۱۶۲۸,۲	۱۵۲۵۶,۷	۲۲۹۴,۸	۲۰۵۱,۶	۲۰۶۸۹,۵	۱۱,۲۴۰	۵۴۹۵۵۷,۲	۲,۹۵۶
سهم واردات از کشورهای	۲۰۱۰	۴,۹۶۴	۷,۱۰۰	۲۳,۸۰۰	۴۶,۲۸۵	۱۶,۶۰۴	۳۲,۶۵۴			
	۲۰۱۵	۷,۱۹۰	۵,۰۲۳۴	۳۸,۵۳۸	۵۲,۱۱۳	۵۸,۱۹۳	۵۰,۴۱۴			
	۲۰۱۹	۸,۱۴۸	۴,۶۲۹	۳۹,۷۷۶	۴۶,۷۹۶	۴۰,۷۵۳	۵۳,۸۶۶			
واردات ... از جهان	۲۰۱۰	۲۷۰۲۴۷,۰	۶۵۴۰۴,۰	۲۴۰۲۴,۰	۳۲۲۳,۱	۳۷۸۲,۹	۳۴۸۸۴,۴			
	۲۰۱۵	۲۱۲۲۴۷,۰	۴۲۵۰۰,۰	۳۰۱۷۹,۰	۴۰۶۹,۶	۳۲۳۹,۲	۳۰۲۹۱,۵			
	۲۰۱۹	۲۴۳۷۸۰,۶	۳۵۱۷۲,۴	۳۸۳۵۶,۷	۴۹۰۳,۸	۵۰۷۱,۶	۳۸۴۰۸,۹			
سهم از واردات جهان	۲۰۱۰	۱,۷۷۱	۰,۴۲۹	۰,۱۵۷	۰,۰۲۱	۰,۰۲۵	۰,۲۲۹			
	۲۰۱۵	۱,۲۹۲	۰,۲۵۹	۰,۱۸۴	۰,۰۲۵	۰,۰۲۰	۰,۱۸۴			
	۲۰۱۹	۱,۲۸۳	۰,۱۸۵	۰,۲۰۲	۰,۰۲۶	۰,۰۲۷	۰,۲۰۲			
	۲۰۲۰	۱,۳۲۶	۰,۱۲۷	۰,۲۱۸	۰,۰۲۱	۰,۰۲۶	۰,۲۲۶			

Source: IMF, Direction of Trade Statistics Year book, 2010-2015, Trade Map, 2019-2020.

۴-۶. نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی -
 بازرگانی کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا
 مجموعه فعالیت‌ها و مبادلات تجاری اتحادیه در بستر

دو محیط داخلی و خارجی آن کشورها انجام می‌شود.
 شناخت عوامل تاثیرگذار بر این دو محیط، برنامه‌ریزان و
 سیاستگذاران را در یافتن راهبردهایی که بخش خارجی

کشورها را متحول و توسعه دهد، یاری می‌رساند. اساساً شرایط محیطی که بر مجموعه بخش خارجی اقتصاد احاطه داشته و بر آن تاثیرگذار است، از نظر نوع و نحوه و میزان تاثیرگذاری به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. آنهایی که به طور مستقیم و از درون مجموعه فعالیت‌های بخش خارجی اقتصاد اثر می‌گذارند؛ ۲. آنهایی که در سطح کلان و از بیرون مجموعه فعالیت‌های بخش خارجی اقتصاد موثر و تاثیرگذار هستند. در این چارچوب، نقاط چهارگانه قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها به صورت زیر تعریف می‌شوند: (۱) نقطه قوت عاملی درونی است که مجموعه در صورت داشتن آن، از امتیاز مثبت برخوردار خواهد شد؛ (۲) نقطه ضعف عاملی درونی است که مجموعه در صورت داشتن آن، از امتیاز منفی برخوردار خواهد شد؛ (۳) فرصت عامل بیرونی است که با به‌کارگیری آن، مجموعه از مزایایی برخوردار می‌شود؛ و (۴) تهدید عامل بیرونی است که مانع حرکت و توسعه آن مجموعه می‌شود.

شناسایی و تجزیه و تحلیل هریک از عوامل داخلی و خارجی در حوزه بخش خارجی اقتصاد منجر به تهیه فهرست نقاط قوت و ضعف (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل داخلی بخش خارجی اقتصاد: عوامل در کنترل) و فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدها (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل خارجی بخش خارجی اقتصاد: عوامل خارج از کنترل) مجموعه موردنظر در بخش خارجی اقتصاد این کشورها می‌شود. این قسمت با هدف شناسایی و تحلیل نقاط داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و بیرونی بخش خارجی اقتصاد ایران (فرصت‌ها و چالش‌ها) با مرور چالش‌ها و فرصت‌های بخش خارجی اقتصاد ایران و منطقه کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تدوین یافته است. با مطالعه پیشینه و مطالعات انجام شده، اولاً قوت‌ها و ضعف‌ها، و چالش‌ها و فرصت‌های بخش خارجی شناسایی می‌شود. ثانیاً اهم راه‌کارها و سیاست‌های توسعه تجارت مبتنی بر

مطالعات و تحقیقات انجام شده ارایه می‌گردد.

بر اساس مجموعه شواهد و قراین و مطالعات و ارزیابی محیط و وضعیت اقتصادی بین‌المللی کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از جمله ابعاد پنج‌گانه (حسینی، ۱۳۸۶؛ حسینی و بزرگی، ۱۳۸۱) شامل:

الف- محیط جغرافیایی و جمعیتی: ویژگی جغرافیایی، اندازه جمعیت، اشتغال کامل و نرخ طبیعی بیکاری؛

ب- شاخص توسعه انسانی؛

ج- شاخص‌های اقتصادی و اقتصاد کلان: اندازه اقتصاد: تولید ناخالص داخلی/ سرانه (درآمد سرانه)، رشد اقتصادی، ساختار اقتصادی بر حسب ارزش افزوده بخشی، ساختار اقتصادی بر حسب نوع هزینه و نرخ تورم؛

د- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و موجودی/ انباشته آن؛

ه- توسعه بخش خارجی اقتصاد: از جمله صادرات و واردات، سهم از صادرات و واردات جهانی، نرخ رشد سالانه صادرات/ واردات، تراز تجاری، ساختار توزیع جغرافیایی تجارت (صادرات/ واردات)، ساختار گروه‌های تولید صادراتی/ وارداتی، ارزش، سهم، رشد و سرانه صادرات صنعتی، بازبودن اقتصاد، شاخص تمرکز و تنوع تجاری (صادرات/ واردات)، ارزش واحد صادرات و واردات و شاخص‌های رابطه مبادله، تحلیل سیاست تجاری با محوریت تعرفه سرتاسری و بخشی، عضویت در ترتیبات منطقه‌ای و جهانی، شاخص عملکرد لجستیک تجاری، تجانس و همگونی درآمد سرانه، شاخص کارآمدی هم‌پیوندی منطقه‌ای و شاخص شدت تجاری ایران با این اتحادیه؛ جدول (۶)، عمده نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های اقتصادی- تجاری این اتحادیه از دو جنبه توسعه تجارت درون منطقه‌ای ایران با اتحادیه و توسعه تجارت ایران را ارایه کرده است.

جدول ۶- عمده نقاط قوت و ضعف، فرصت، تهدید و چالش‌های اقتصادی-تجاری کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا

ضعف (W)، تهدید (T) و چالش‌ها	قوت (S) و فرصت‌ها (O)
<p>بازار کار ضعیف و ناکارآمد و توسعه انسانی نسبتاً نازل</p> <p>عدم تجانس و ناهمگونی اندازه اقتصادها و درآمد سرانه</p> <p>ساختار اقتصادی با محوریت نفت خام</p> <p>سهم نازل جریان و انباشته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورها</p> <p>اندازه تجارت خارجی پایین کشورها</p> <p>نقش مسلط اقتصادهای توسعه یافته در ساختار توزیع جغرافیایی تجارت کشورها</p> <p>سهم مسلط نفت در ساختار تولید صادراتی کشورها</p> <p>نقش مسلط تولیدات صنعتی در واردات کشورها</p> <p>بسته بودن نسبی اقتصاد غیرنفتی دو کشور بزرگ روسیه و ایران</p> <p>شاخص تمرکز بالا در تولیدات صادراتی</p> <p>عدم فعالیت جدی ترتیبات منطقه‌ای</p> <p>عملکرد لجستیک تجاری ضعیف کشورها</p> <p>شاخص شدت تجارت پایین منطقه‌ای</p>	<p>مزیت جغرافیایی</p> <p>اندازه جمعیت بالا با محوریت روسیه و ایران</p> <p>اقتصاد بزرگ منطقه‌ای: روسیه</p> <p>رشد چشمگیر و مناسب اقتصادی کشورها</p> <p>تشکیل سرمایه‌ناخالص از تولید ناخالص داخلی مناسب</p> <p>تورم پایین کشورها در مقایسه با ایران</p> <p>رشد مطلوب جریان/انباشت سرمایه‌گذاری خارجی</p> <p>رشد چشمگیر و توسعه تجارت خارجی کشورها</p> <p>افزایش چشمگیر از سهم از تجارت جهانی</p> <p>تراز تجاری با موازنه مثبت چشمگیر</p> <p>شاخص تمرکز پایین در گروه کالاهای وارداتی</p> <p>ارزش واحد صادرات بالا و رشد مطلوب آن</p> <p>بهبود رابطه مبادله قیمتی و درآمدی کشورها</p>

منبع: نتایج تحقیق

در حال حاضر با ارایه الگوی سوات، در ادامه راهبردهای پنج‌گانه برگرفته از آن الگو برای توسعه تجارت درون منطقه‌ای به‌ویژه صادرات غیرنفتی و صنعتی ایران به بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا بنابر جدول (۷) ارائه می‌شود.

جدول ۷- راهبردهای پنج‌گانه توسعه تجارت ایران به بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا

عنوان راهبرد	شرح مؤلفه‌های راهبرد
راهبرد SO	(۱-۱) بهره‌گیری از توانمندی صادراتی ایران برای صادرات محصولات غیرنفتی و صنعتی مورد نیاز بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا (۲-۱) تلاش برای افزایش سهم بازار محصولات ایرانی، نظر به روابط دوستانه و ردیف اعتباری دوجانبه ایران با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا
راهبرد ST	(۳-۲) تلاش برای بهره‌گیری و توسعه موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه و منطقه‌ای (۴-۲) تقویت جایگاه محصولات ایرانی در ذهن مشتریان اتحادیه با ابزارهای توسعه بازار (۵-۲) برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی محصولات صادراتی غیرنفتی و صنعتی ایرانی در اتحادیه برای ارتقای جایگاه (۶-۲) ترویج محصولات غیرنفتی و صنعتی ایرانی با مزیت نسبی رقابتی شناسایی شده در بازار اتحادیه برای توسعه و تنوع بازار
راهبرد WO	(۷-۳) تدوین برنامه فراگیر و جامع بازاریابی و تبلیغات در رسانه‌های جمعی کشورهای اتحادیه خاصه روسیه برای شناخت محصولات ایرانی (۸-۳) تلاش برای ارائه محصولات با کیفیت نظر به تقاضای رو به رشد مصرف در بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌ویژه روسیه
راهبرد WT	(۹-۴) تلاش برای تقویت روابط بانکی و بیمه‌ای موجود دوجانبه (۱۰-۴) تقویت خطوط دریایی، جاده‌ای و هوایی و راه‌اندازی و اتصال خطوط ریلی
راهبرد ترکیبی سوات (SWOT)	(۱۱-۵) گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حوزه خزر یا منطقه اوراسیا (۱۲-۵) تقویت و ارتقای خطوط دریایی، جاده‌ای، ریلی و هوایی (۱۳-۵) تأسیس بانک مشترک برای تأمین مالی صادرات و سرمایه‌گذاری (۱۴-۵) عرضه محصولات غیرنفتی و صنعتی با کیفیت و با مقیاس بالا به بازار اتحادیه به‌ویژه روسیه برای ارتقای ذهنیت (۱۵-۵) تبلیغات محصولات ایرانی در رسانه‌های جمعی اتحادیه به‌ویژه تلویزیون روسیه

منبع: نتایج پژوهش

بر اساس نتایج تحقیق و جدول (۷)، به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای، سطح نازل توسعه‌یافتگی تجارت خارجی و ساخت و ترکیب صادراتی این کشورها باشد. مشخصاً، صادرات این کشورها مبتنی بر صدور موجودی منابع اولیه با محوریت نفت خام بوده و تنوع کالایی و سهم کالاهای صنعتی در صادرات این کشورها نازل است. بر این اساس به نظر می‌رسد که در این حوزه و با شرایط فعلی، امکان توسعه تجارت به ویژه تجارت درون منطقه‌ای درون‌زا و پویا میسر نیست.

۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

مؤلفه‌ها و پیش‌زمینه‌های منطقه‌گرایی موجود در دنیا از جمله در کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا متنوع است، ولی همگی از یک دسته عوامل و شرایط یکسان و یا مشابهی برخوردارند که در این ارتباط، مولفه‌هایی نظیر جغرافیا، اندازه اقتصاد، مشترکات فرهنگی و عزم و اراده سیاسی توجهی حائز اهمیت هستند. البته علاوه بر آثار و پیامدهای اقتصادی منطقه‌گرایی، انگیزه‌های غیراقتصادی در شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای موثرند که در این رابطه می‌توان به ثبات و امنیت منطقه‌ای، تثبیت اصلاحات و افزایش قدرت چانه‌زنی اشاره کرد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد:

۱. بر اساس مبانی نظری، ترتیب اقتصادی منطقه‌ای میان دو کشور توسعه‌یافته موجب همگونی درآمد سرانه آنها شده و این فرایند برای دو کشور فقیر با اختلاف سطح توسعه، موجب تشدید نابرابری و ناهمگونی درآمد سرانه آنها می‌شود. این موضوع، به دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت بر ایجاد تجارت در ترتیبات منطقه‌ای بین کشورهای درحال توسعه با درجه توسعه‌ای نامتوازن است. در میان کشورهای اتحادیه، دامنه درآمد سرانه برای برخی کشورها کاهش و برای برخی دیگر رو به افزایش گذارده است که نه

تنها شکاف در درآمد سرانه بین دو کشور کم نشده، بلکه شکاف عمیق‌تر نیز شده است. بدین ترتیب، این اتحادیه از جنبه همگونی و تجانس درآمد سرانه موفقیتی به دست نیاورده و فرایند همگونی و همسان‌شدن درآمد سرانه در بین این کشورها تأیید نمی‌شود.

۲. نسبت تجارت درون منطقه‌ای در بین ترتیبات منطقه‌ای دنیا با یکدیگر اختلاف عمده‌ای دارند. نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین کشورهای عضو ترتیبات منطقه‌ای با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه کشورهای با درآمد پایین است. نسبت تجارت درون منطقه‌ای نیز به ترتیب از ترتیبات تجاری با درآمد بالا به ترتیبات تجاری با درآمد پایین سیر نزولی است. تجارت کشورهای اتحادیه از ۵۷۹٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۵۴۹٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ با شاخص عملکرد ۹۵٫۰ و با نرخ رشد سالانه ۰٫۵- کاهش یافته است. همچنین، سهم کشورهای اتحادیه از تجارت جهانی از ۳٫۹٪ در سال ۲۰۱۰ به ۲٫۹۶٪ در سال ۲۰۱۹، نزدیک ۱ واحد درصد کاهش یافته است و طی این دوره، رشد تجارت این کشورها (۰٫۵- درصد) در مقایسه با رشد تجارت جهانی (۲٫۲ درصد انزواگرانه‌تر بوده است). تجارت درون منطقه‌ای اتحادیه از ۳۷٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۶۱٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ با شاخص عملکرد ۱۶۵٫۷ و نرخ رشد سالانه ۵٫۲ درصد افزایش یافته، اما سهم تجارت درون منطقه‌ای از کل تجارت این کشورها از ۶٫۴ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۱٫۲ درصد در سال ۲۰۱۹، ۵٫۸ درصد در سال رشد را شاهد بوده است. در مقابل، تجارت فرامنطقه‌ای اتحادیه از ۵۴۲٫۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۴۸۷٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ با شاخص عملکرد ۹۰٫۰ و نرخ رشد سالانه ۱٫۰- درصد مواجه بوده که سهم تجارت فرامنطقه‌ای از کل تجارت اتحادیه از ۹۳٫۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۸۸٫۸ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش نشان می‌دهد.

۳. طی دوره ۱۹-۲۰۱۰، افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای از تجارت اتحادیه، کاهش سهم حجم تجارت فرامنطقه‌ای

این کشورها توام با کاهش رشد تجارت جهانی این کشورها، باعث شده است که شدت تجارت اتحادیه و ایران از ۶،۸۸ و ۰،۴۶ در سال ۲۰۱۰ به ۱۲،۶۶ و ۲،۶۸۸ در سال ۲۰۱۹ به طور چشمگیری افزایش یابد. در واقع طی دوره، کاهش سهم صادرات فرمانطقه‌ای اتحادیه و ایران توام با کاهش رشد صادرات اتحادیه و ایران سبب شد که به دلیل افزایش سهم حجم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه و ایران، شاخص شدت صادرات افزایش یابد. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای اتحادیه و ایران توام با آهنگ رشد پایین و کاهش صادرات جهانی اتحادیه و ایران گویای آن است که طی دوره، افزایش شاخص شدت تجاری اتحادیه و ایران به افزایش در صادرات جهانی اتحادیه و ایران منجر نشده است (وقوع انحراف تجارت).

۴. بررسی نقاط قوت و ضعف و نیز، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های اقتصادی-تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان می‌دهد مهم‌ترین دلیل عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای، سطح نازل توسعه‌یافتگی تجارت خارجی و ساختار ضعیف صادراتی کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و در این شرایط، امکان توسعه تجارت به ویژه تجارت درون منطقه‌ای درون‌زا و پویای چشمگیر میسر نخواهد بود.

به منظور توسعه تجارت درون و فرمانطقه‌ای ایران اقدامات و تدابیر سیاستی، برگرفته از پژوهش، پیشنهاد می‌شود: نخست، اصلاحات سیاستی کلان برای ثبات محیط اقتصادکلان ایران با محوریت رشد و توسعه پایدار و فراگیر و کاهش ریسک‌ها با محوریت نرخ تورم و کنترل تکانه‌های غیراقتصادی از جمله تحریم‌ها صورت پذیرد؛ دوم، اصلاحات در سیاست تجاری ایران با هدف‌گذاری برچیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و ثبات بخشی توام با منطقی‌سازی میزان نرخ تعرفه‌های گمرکی انجام گیرد؛

سوم، نظر به شناسایی شرکای تجاری طبیعی درون و فرمانطقه‌ای ایران، شرکای تجاری طبیعی در شرایط ایستا و

پویایی‌های بلندمدت و افق چشم‌انداز توسعه تجارت پایدار فراگیر به ویژه توسعه صادرات صنایع کارخانه‌ای اشتغال‌زا، در گام‌های بعدی متعاقبا دانش‌بنیان و با بهینه‌گی مرزی در توسعه تجارت مورد توجه قرار گیرند؛

چهارم، تحولات ساختاری در تجارت کالا و خدمات ایران با هدف مزیت نسبی و دستیابی به مزیت‌های رقابتی با محوریت صنایع اشتغال‌زای ارزآور و متعاقبا دانش‌بنیان و توسعه انواع خدمات از جمله گردشگری تحقق یابد.

قدردانی: نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی پژوهشکده توسعه بازرگانی معاونت پژوهشی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی به خاطر مساعدت در انجام طرح پژوهشی، قدردانی به عمل آورند.

منابع

- امیراحمدیان، ب. و حسینی، م. ع. (۱۳۹۰). مطالعه جایگاه ژئواکونومی سازمان همکاری شانگهای در جهان، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، *انجمن ژئوپلیتیک ایران*، پاییز، ش. ۳، سال. ۷، ۱۰۱-۱۳۵.
- حسینی، م. ع. و امیراحمدیان، ب. و نصیرزاد، م. (۱۳۹۷). مطالعه شاخص‌های توسعه‌ای کشورهای ساحلی خزر در فرایند منطقه‌گرایی. *مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار و تابستان، ش. ۱، سال ۱۱، ۸۰-۵۹.*
- حسینی، م. ع. (۱۳۸۶). آثار ترتیبات تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو آکو بر توسعه تجارت ایران، *موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*، ۴۳۱ صفحه.
- حسینی، م. ع. و بزرگی، و. (۱۳۸۱). شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک همپوندی منطقه‌ای. *پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تابستان، ش. ۲۳، سال. ۶، ۳۶-۱.*
- حسینی، م. ع. و هومن، ت. (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌الملل کشورهای آکو در فرایند منطقه‌گرایی. *دانش و توسعه، تابستان، ش. ۲۳، سال. ۶، ۳۶-۱.*

Asian Development Bank (2022). "Integration Indicators technical notes". <https://aric.adb.org>. (Accessed on: 20/08/2023)

- Johnson H. G. (1965). "An economic theory of protectionism, tariff bargaining, and the formation of customs unions". *Journal of Political Economy*. 256-283.
- Krugman P. (1996). *Development, Geography and Economic Theory*, Cambridge, MA: The MIT Press.
- Lipsey RG, Lancaster K. (1956). "The General Theory of The Second Best". *Review of Economic Studies*. October: 33-49.
- Jagdish B. (1996). "The theory of preferential trade agreement: Historical evolution and current trends". *The American Economic Review*. 86(2): 82-87.
- Meade J. (1955). *The Theory of Customs Unions*. Amsterdam: North-Holland.
- Melo, James (1992). *The New Regionalism in Trade Policy*, The World Bank.
- Salvatore D. (2007). *International Trade*. 9th ed., New York McGraw-Hill.
- Sheila P. (2000). *Regionalism among Developing Countries*. Macmillan Press LTD. Overseas Development Institute. London.
- UNCTAD (1995-2022). *Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2022*. New York: UN Publications. www.UNCTAD.Org.
- UNCTAD. (2021). *World Investment Report, FDI/TNC database*. Geneva: Union Nation Conference Trade And Development. Retrieved from www.unctad.org/fdistatistics.
- Viner J. (1953). *The customs union issue*. New York: The Carnegie Endowment for International Peace.
- World Bank (2023). <https://databank.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD/Popular-Indicators#WorldDevelopmentIndicators>.
- (2022). *World Development Indicators Database 1998- 2021*. WB, www.worldbank.org/Data/
- (2000 - 2001). *Trade Blocs: A World Bank Policy Research Report*. New York: Oxford University Press.
- World Trade Organization (WTO) (2022). "World Trade Report 2022". <http://www.wto.Org>.
- Amirahmadian, B. and Hosseini, M. A. (2011), Study of Geo-economic Position of Shanghai Organization on World Economy, *Geopolitics Quarterly* (An International Journal), Iranian Association of Geopolitics (I.A.G), Fall, Vol. 7, No. 3, 101-135. (In Persian).
- Barry, Donald and Ronald C. Keith (1999). *Regionalism, Multilateralism, and the Politics of Global Trade*. Vancouver: UBC Press.
- Bernard Hoekman and Maurice Schiff (2002). *Benefiting from Regional Integration*, Development ,Trade and the WTO, (Washington, D.C: The World Bank), p.553.
- Harmesen, Richard and Leidy, Michael (1994). *Regional Trading Arrangements, The Uruguay Round and Beyond* , Background Papers II.
- Helpman E. (1987). Imperfect competition and international trade: Evidence from fourteen industrial countries. *Journal of the Japanese and International Economies*. 1: 62-81.
- Hoekman B, Schiff M. (2002). "Benefiting from regional integration". *Development, Trade and the WTO*. Washington, D.C: The World Bank.
- Hosseini, M. A., Amirahmadian, B. and Nasirzad, M. (2018), The Study of Development Indicators of Caspian Sea Region (CSR) Countries in the Regional Convergence Process, *Central Eurasia Studies*, Center for Central Eurasia Studies, Faculty of Law and Political Science, Spring & Summer, Vol. 11, No. 1, 59-80. (In Persian).
- Hosseini M. A. (2007). "The Effects of Preferential Trade Arrangements Among ECO Member Countries on Iran's Foreign Trade Promotion". Institute for Trade Studies and Research, 431 Pages. [in Persian]
- Hosseini M. A, Bozorgi V. (2002). "Regional partners of Iran and the possibility of forming the central core of a regional partnership". *Journal of Commerce*. 23(6): 1-36. [in Persian]
- Hosseini M. A, Hooman T. (2007). "Comparative study of international macroeconomic indicators of ECO countries in the process of regionalism". *Knowledge and Development*. 23(6): 1-36. [in Persian]
- International Monetary Fund (IMF) (1998-2020). *Direction of Trade Statistics Year book*, Washington: International Monetary Fund Publications. (<http://www.IMF.Org>)